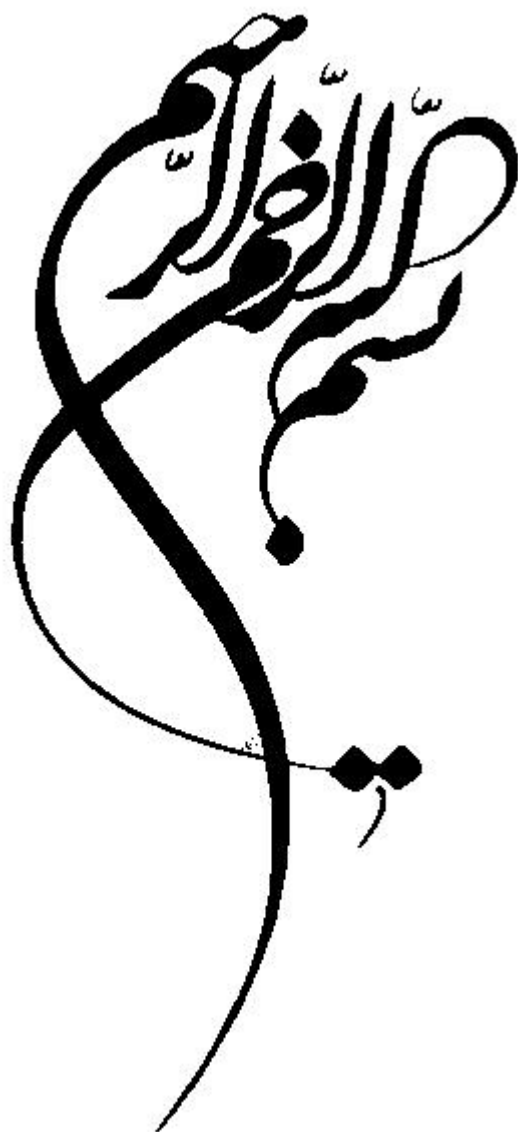




چهل حدیث حج

چهل حدیث حج، ص: 1

پیشگفتار

زیارت خانه حق، همراه با انجام مناسک ملکوتی و اعمال عاشقانه ای که دستور پروردگار مهربان بدرقه آن است و انبیای الهی و امامان معصوم بر بزرگداشت تمام واقعیاتش تأکید داشتند، در کنار دلی مملوّ از معرفت و خلوص و همتی عالی و شوقی وافر، از ارکان اسلام و از اصول مسائل الهی و از شعائر عرشی و خلاصه از بزرگترین و با منفعت ترین برنامه هایی است که انسان مستطیع نسبت به آن مکلف و مسؤول است.

گردهمایی عظیمی که قدرت و توان حلّ مشکلات دنیای اسلام را در همه زمینه ها دارد.

برنامه بسیار مهمی که می تواند صفوف مسلمانان را بهم پیوند داده و از این نیروی عظیم پراکنده، دست واحدی برای جهان اسلام و اسلحه کوبنده ای علیه دشمنان دین بوجود بیاورد.

حقیقتی که علائق غلط و روابط بی معنا را از سرزمین قلب ریشه کن می کند و دل را مبدّل به حرم حق و حریم عشق نموده، جان را

همچون صورت پاكِ آئینه صیقل می دهد.

واقعیتی که آدمی را از آلودگیهای ظاهری و باطنی می رهاند و نفس اماره را بر گردونه عبادت می کشاند، باطن را شستشو داده، توبه و انابه و تضرّع و زاری می آفریند و انسان را از اسارت عالم خاک نجات داده به عالم پاك می رساند.

تشنگان عالم معنا را سیراب، گرسنگان رزق عرشی را سیر و برهنگان از تقوا را لباس تقوا می پوشاند.

چشمه خیر و برکت را در مقابل انسان می جوشاند و حاجی را در سراپرده رحمت و لطف حضرت مولا می نشاند.

برای بیان مسائل ظاهر و باطن حج، آیات فراوانی در کتاب حق آمده و روایات بسیار مهمی در معتبرترین کتب حدیث ضبط شده است. از آنجا که فرصت زائر در زمان حج اندک و ظرفیت قلبی و معنوی بسیاری از مسافران راه عشق، محدود است و کسی را وقت مطالعه و دقت در آن همه آیه و روایت نیست بعثه مقام معظم رهبری، که سنگین ترین مسئولیت را در راه به سامان آوردن این فریضه عظیم الهی و هدایت زائران، به حقایق آسمانی دارد و در این عرصه گاه معنوی، تمام توان و قدرت خود را بکار گرفته تا در سرزمین وحی و محلّ عبادت انبیا و امامان و اولیا، خیمه حج ابراهیمی بپا کند و از این مسیر، هدف بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی - قدس سره - و رهبر بزرگوار مسلمانان جهان و ولیّ امر عالم اسلام حضرت آیه الله خامنه ای - مد ظلّه - را جامه عمل بپوشاند و زمینه نیروی پر قدرت انسانی را برای بپا شدن عدل جهانی بدست امام دوازدهم - علیه السلام -

فراهم آورد تا از کنار خانه خدا همراه با مؤمنان قوی دل، شعاع هدایت و عدالت را به تمام جهان بگستراند، از این کمترین، خواسته است تا چهل حدیث در رابطه با این حقیقت عرشی و معنوی در جزوه ای فراهم آورم تا مسافران راه حق و فضیلت و مسیر عشق و معرفت بیش از پیش با برنامه های باطنی و اخلاقی و عرفانی حج آشنا شده، خالصانه به انجام مناسک پردازند و با حج مقبول و سعی مشکور به وطن بازگشته، به اسلام و انقلاب وفادار بمانند و زمینه ظهور ولی عصر - ارواحنا لئراب مقدمه الفداء - را فراهم کنند.

حسین انصاریان

چهل حدیث حج، ص: 2

حدیث 1 وجوب حج

حجّ بعنوان يك عبادت، بر اهل استطاعت، از جانب مبدأ فیض و رحمت، واجب گشته و فریضه بودن آن در آیات قرآن مجید اعلام شده و روی گردان از آن، فردی ناسپاس و نمك خورده ای نمکدان شکن به حساب آمده است.

مولای متقیان، امیر مؤمنان، در پایان خطبه اوّل نهج البلاغه می فرماید:

وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ، الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِّأَنَامٍ يَرُدُّونَهُ وَرُودَ الْأَنْعَامِ، وَيَأْتُهُونَ إِلَيْهِ وَلُؤْلُؤَ الْحِمَامِ وَجَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عَلامَةً لِّتَوَاضُعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ وَإِذْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ، وَاخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سُمَاعاً أَجَابُوا إِلَيْهِ دَعْوَتَهُ وَصَدَّقُوا كَلِمَتَهُ وَوَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ وَتَشَبَّهُوا بِمَلَائِكَتِهِ الْمُطِيفِينَ بِعَرْشِهِ، يُخْرِضُونَ الْأُزْبَاحَ فِي مَنَاحِرِ عِبَادَتِهِ، وَيَتَبَادَّرُونَ عِنْدَ مَوْعِدِ مَغْفِرَتِهِ، جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِّلْإِسْلَامِ عِلْماً، وَلِلْعَالَمِينَ حَرَمًا، فَرَضَ حَقَّهُ وَأَوْجَبَ حَجَّهُ، وَكَتَبَ عَلَيْكُمْ وَفَادَتَهُ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ).

(1) (الْعَالَمِينَ).

پروردگار مهربان زیارت بیت الحرامش را بر شما فریضه قرار داد و آن را قبله گاه مردم نمود. زیارت کنندگان در آنجا وارد می شوند و برای یافتن بهره معنوی ازدحام می کنند؛ مانند ازدحام چهارپایان تشنه در کنار چشمه آب! و آمدن به آن مکان مقدس را مشتاقند، همانند اشتیاق کبوتران به طرف آشیانه خود، آن وجود منزّه و پاک آن جایگاه عالی را برای تواضع بندگان در برابر بزرگی و عظمتش، و تصدیقشان به عزّت و قدرتش نشانه و علامت قرار داد. از میان مردمان، شنوندگان فرمانش را انتخاب فرمود. آنان دعوتش را برای زیارت خانه کعبه اجابت کردند و فرمانش را گردن تصدیق نهادند و در جایگاه پیامبران برای عبادت و بندگی ایستادند و خود را به فرشتگان طواف کننده عرش شبیه نمودند، در تجارت بندگی سود فراوان بدست آورده، به موقف آمرزش و مغفرتش از هم سبقت می گیرند.

حضرت حق آن خانه را نشانه و علامت اسلام و پناهگاه پناهندگان قرار داد و زیارت آن محل با عظمت را واجب فرمود و احترام نهادن به کعبه را بر بندگان لازم دانست و رفتن به آنجا را دستور داد پس در قرآن مجید فرمود: زیارت بیت الله الحرام حق خداوند بزرگ بر مردم است؛ مردمی که برخوردار از استطاعتند و هر که این نعمت عظیم الهی را ناسپاسی کند، به حضرت حق زیانی وارد نکند که خدای تعالی از تمام جهانیان بی نیاز است.

-

1- نهج البلاغه، خطبه اول؛ وسائل الشیعه، ج 8، ص 9

چهل حدیث حج، ص: 3

حدیث 2 معنا و مفهوم حج

بیان حقیقت و واقعیت حج، معنا و مفهوم این مسأله بزرگ، تنها در شأن حضرت حق و انبیا و امامان بزرگوار است.

برای حج، گذشته از معنای لغوی، معنا و مفهوم دیگری است که باید آن معنا را از حریم دانش و بینش و بصیرت برگزیدگان حضرت محبوب جستجو کرد.

بخاطر گستردگی مفهوم حج، عاشقی از عشاق اسرار، به حضرت باقر- علیه السلام- عرضه می دارد:

لَمْ سَمِّ الْحُجَّ حَجًّا؟ قَالَ: حَجَّ فُلَانٌ؛ أَيْ أَفْلَحَ فُلَانٌ. (1)

برای چه حج خانه حق را حج نامیده اند؟ امام- علیه السلام- فرمود: فلانی موفق به انجام حج شد، معنا و مفهومش این است که به فلاح و رستگاری دست یافت.

راغب اصفهانی، دانشمند بزرگ قرآن شناس، در توضیح لغت

-

1- بحار، ج 96، ص 2

چهل حدیث حج، ص: 4

فلاح و مشتقات آن، که در قرآن مجید زیاد آمده و در روایات و اخبار همچون روایت بالا به آن اشاره شده، می فرماید:

برای فلاح دو مرتبه و دو درجه قابل تصور است: 1- مرتبه دنیوی 2- مرتبه اخروی

مرحله دنیوی فلاح، دست یابی به رشته های مختلف خوشبختی است؛ بصورتی که زندگی و حیات دنیای انسان پاک و پاکیزه و غرق لذت و نشاط شود و رشته های سعادت و خوشبختی در دنیا عبارت است از:

طول عمر با غنا و ثروت حلال، و داشتن شخصیت و عزت و احترام.

و فلاح اخروی عبارت است از:

حیات بی مرگ، ثروت و غنای بی فقر، عزت بی ذلت، و دانش و بینش بی جهل، به همین خاطر گفته اند: عیشی نیست مگر عیش آخرت!

بر این اساس، حج خانه حق، چنانچه از جانب زائر، همراه با رعایت مسائل فقهی و خلوص نیت انجام گیرد، سه بهره دنیوی و چهار منفعت اخروی نصیب حاجی می نماید که حضرت باقر - علیه السلام - از مجموع این واقعیات به عنوان فلاح یاد فرموده است: حَجَّ فلان؛ اُی أفلح فلان. (1)

-

1- مفردات راغب، ص 385

چهل حدیث حج، ص: 5

حدیث 3

خداوند مهربان که رحمت و لطفش تمام موجودات هستی را در آغوش گرفته، نتایج و آثاری بر زحمات مثبت مردم که به دستور حضرتش و دستور پیامبر و امامان انجام گرفته مترتب نموده است.

حضرت حق، زحمت کوشندگان در راهش را و سعی مجاهدان در طریقتش را و رنج تحمل کنندگان عبادات را هرگز ضایع نکند و ضایع نگذارد، که ضایع گذاشتن زحمات سالکان مسلک عشق، از عدل و حکمت و لطف و رحمت دور است. حج عملی است مشقت بار. کاری است پر زحمت. عبادتی است توأم با رنج و گرفتاری. سفری است با مخارج سنگین. طاعتی است طاقت فرسا. قدمی است همراه با فراق عزیزان، که حضرت حق در عوض چنین سفری شگفت انگیز، بهره های عجیبی قرار داده که بگوشه ای از موج این دریای بی ساحل، حضرت سجاد - علیه السلام - اشاره می فرماید:

قال علی بن الحسین علیه السلام:

حجوا و اعتمروا تصح أبدانکم و تتسع أرزاقکم و تکفون مؤونات عیالاتکم و قال: الحاج مغفور له و موجب له الجنة و مستأنف له العمل و محفوظ فی أهله و ماله. (1)

حضرت علی بن الحسین - علیه السلام - فرمود:

حج بجای آورید و اقدام به عمره نمایید، که برای این دو فریضه الهی آثار و منافع است:

بدنهایتان به عرصه گاه صحت و سلامت درآید، میدان روزی شما وسیع شود، هزینه و خرج اهل و عیالتان مکفی گردد و همچنین فرمود: زائر بیت الله، مورد آمرزش و مغفرت حق است، بهشت عنبر سرشت بر او واجب است، عمل را از سر گیرد که او را وضعی غیر از وضع تمام گذشته اوست، خانواده و سرمایه مالی اش در حفظ خداوند رحیم است.

-

1- وسائل، ج 8، ص 5

چهل حدیث حج، ص: 6

حدیث 4

کسی که از قسمتی از مال خود، جهت مخارج زیارت بیت الله، چشم می پوشد و جهت آزادی از حقوق دیگران اقدام به طلب حلیت می کند و برای نظام دادن به امورش، قبل از سفر حج متحمل زحمت و رنج می گردد، و تن به این سفر سرشار از مشقت و سختی می دهد و با پای معرفت و قلبی پر از ذوق و شوق و روحی با صفا و جانی مملو از عشق و محبت و نفّسی همراه با اراده و همت و ضمیری معطر به بوی خلوص خود را در این وادی می اندازد بدون تردید از جانب حضرت محبوب در معرض ثوابها و بهره های عظیم قرار می گیرد که بخاطر عدم گنجایش دنیا، تمام آن ثوابها در جهان آخرت تجلی کرده و زائر را به سرفره رحمت بی نهایت دوست می نشانند.

پیامبر با عظمت اسلام به مردی که قصد زیارت خانه حق را داشت فرمود:

فانك جئت تسألني عن حجك و عمرتك و ما لك فيهما من الثواب؟

فاعلم أنّك إذا أنت توجّهت الى سبيل الحجّ ثم ركبت راحلتك و مضت بك راحلتك لم تضع راحلتك خفّاً ولم ترفع خفّاً الا كتب الله لك حسنه و محاً عنك سيئه. فاذا احرمت و لبّيت كتب الله لك بكلّ تلبّيه عشر حسنات و محاً عنك عشر سيّئات.

فاذا طفت بالبيت اسبوعاً كان لك بذلك عند الله عزّ وجلّ عهداً و ذكرّاً يستحي منك ربك أن يعذبك بعده فاذا صلّيت عند المقام ركعتين كتب الله لك بهما ألفي ركعه مقبوله.

فاذا سعت بين الصفا و المروه سبعة أشواط كان لك بذلك عند الله عزّ وجلّ مثل أجر من حج ماشياً من بلاده و مثل أجر من اعتق سبعين رقبه مؤمنه.

فاذا وقفت بعرفات الى غروب الشمس فلو كان عليك من الذّنوب قدر رمل عالج و زيد البحر يغفرها الله لك.

فاذا رميت الجمار كتب الله لك بكلّ حصاه عشر حسنات تكتب لك لما تستقبل من عمرك.

فاذا ذبحت هديك أو نحرّت بدنتك كتب الله لك بكلّ قطره من دمها حسنه فكتب لك لما تستقبل من عمرك.

فاذا طفت بالبيت اسبوعاً للزياره و صلّيت عند المقام ركعتين، ضرب ملكٌ كريم على كتفك ثم قال: اما ما مضى فقد غفر لك فاستأنف العمل فيما بينك و بين عشرين و مائه يوم. (1)

ای زائر خانه حق، نزد من آمدی تا از حج و عمره ات و ثوابی که در این دو عمل است از من بپرسی؟

توجه داشته باش هنگامی که در راه حج قرار گرفتی و بر مرکب خود

-

1- بحار، ج 96، ص 4

چهل حدیث حج، ص: 7

سوار شدی و آن مرکب به راه افتاد، قدمی حرکت نمی کند مگر این که خداوند برای تو حسنه ای ثبت می کند و سیئه ای از پرونده ات محو می نماید.

و چون احرام بستی و تلبیه گفتی، خداوند مهربان به هر تلبیه ای ده حسنه برایت ثبت می کند، و ده گناه از تو پاک می نماید.

و چون هفت مرتبه به طواف برخاستی، بخاطر آن نزد خداوند پیمان و یادی برایت می ماند، که بعد از آن، حضرت حق از عذاب تو حیا می کند.

و آنگاه که نزد مقام ابراهیم دو رکعت نماز بجای آوردی، ثواب دو رکعت نماز قبول شده برایت ثبت می گردد.

به هنگامیکه هفت مرتبه سعی صفا و مروه نمودی ثواب تو نزد حق همانند کسی است که از شهر خود با پای پیاده به حج آمده و مانند اجر کسی است که هفتاد برده مؤمن در راه خداوند آزاد کرده است!

چون تا غروب آفتاب به عرفات وقوف کردی مورد آمرزش حق قرار می گیری گرچه گناهانت به اندازه ریگهای متراکم باشد.

و چون رمی جمره نمودی به هر ریگی که می زنی ده حسنه برایت نوشته می شود و به اندازه آینده عمرت این ده حسنه بطور مرتب برایت ثبت می گردد.

و هنگامی که به ذبح گوسفند یا نحر شتر اقدام نمودی به هر قطره خونی که از آن می ریزد، تا پایان عمر پیوسته برای تو ده حسنه نوشته می شود.

و چون هفت بار بعنوان طواف زیارت به دور خانه حق بگردی و نزد مقام دو رکعت نماز بجای آوری فرشته ای کریم بر دو شانه ات می زند سپس می گوید: آنچه بر تو گذشت آمرزیده شد، هم اکنون تا

صد و بیست روز عمل را از سر بگیر که گناهی بر تو نیست!

چهل حدیث حج، ص: 8

حدیث 5 ترك حج یا گناه بزرگ

نعمت های حضرت حق برای هیچ حسابگری قابل شمارش نیست و عنایات و الطافش به احصاء و اندازه گیری هیچ قدرتمندی درنیاید.

برخی از نعمت هایش همانند عقل، وجدان، فطرت، سلامت و عافیت، تمکّن و قدرت، چشم و گوش، دست و زبان، شکم و قدم جای گزین ندارد.

عقل بیدار و قلب بینا حکم می کند که به ادای حقّ نعمتِ منعم برخیزی و سپاس و شکر نعمت دهنده را بجای آوری.

ادای حق منعم و شکر نعمت حضرت دوست به این نیست که چون از نعمتی همه جانبه استفاده کنی زبان در زمانی کوتاه در دهان بگردانی و آن را مترّم به ذکر الحمد لله کنی! بلکه شکر نعمت و ادای حق منعم به این است که نعمت را در جایی خرج کنی که صاحب نعمت دستور داده و منعم حقیقی نسبت به آن طرح و نقشه مرحمت فرموده.

نعمت زمانی که به این صورت به خرج گذاشته شود، حق منعم به

اندازه قدرت نعمت دار ادا شود و دامن حیات و زندگی انسان از لوّث گناه و معصیت مصون ماند و فساد و افساد از عرصه گاه عیش آدمی خیمه برچیند و دست و پای شیاطین انسی و جتنی بسته گردد و صورتی از بهشت آخرت در دنیا پدیدار شود.

اگر زمینه خرج نعمت به دست هوای نفس و امیال و غرایز آزاد از حدود الهی و نقشه های شیطانی فراهم آید، حالت کفر و ناسپاسی و میدان پایمال شدن حقوق انسانی و جایگاه جولان غارتگران حقایق معنوی، با زشت ترین چهره جهنمی آشکار گردد، و محل تاخت و تاز معاصی و گناهان و سوء اخلاق و اعمال پدیدار آید، و از وجود انسان چهره ای منفور و لایق غضب و سخط خداوندی ساخته شود.

فرهنگ پاک الهی، بخاطر یافتن عظیم ترین منافع دنیوی و اخروی، در مدّت عمر يك بار، زیارت خانه منعم را بر اهل استطاعت؛ یعنی آنان که از نعمت مال و سلامت بدن و امنیت راه، و تمکّن و قدرت و عقل و درک برخوردارند واجب نموده، این کدام بی انصاف است که با داشتن انواع نعمت های حضرت حق، از امر حق و واجب الهی که در این عصر رفتن و برگشتن و انجام دادن مناسکش بیش از دو هفته وقت لازم ندارد سرپیچی می کند؟!

این امام هشتم، حضرت علی بن موسی الرضا - علیه السلام - درباره چنین کافر و ناسپاسی چه نظری می دهد:

اعلم یرحمک الله اَنَّ الحج فريضه من فرائض الله جلّ و عزّ، الالزمه الواجبه من استطاع اليه سبيلا، و قد وجب في طول العمر مَرّة واحده و وعد عليها من الثواب الجنّة و العفو من الذنوب و سمّي تارکه کافراً و

توعّد على تارکه بالنار فنعوذ بالله من النار. (1)

ای مکلف به تکلیف حج، خدایت مورد رحمت قرار دهد. به تو هشدار می دهم که حج فريضه ای از فرائض خداوند جلیل و عزیز است و بر آن که دارای استطاعت می باشد واجب است و این وجوب در تمام عمر انسان یکبار است و خداوند بر انجام دهنده آن وعده بهشت و گذشت از گناهان داده است و در قرآن مجید که سند تمام حقایق است روی گردان از این واجب عظیم و فريضه بزرگ را کافر نامیده و به تارك آن وعده آتش فردای قیامت داده، پس ما از آن آتش به حضرت حق پناه می بریم!

-

1- بحار، ج 96، ص 11

چهل حدیث حج، ص: 9

حدیث 6 حج یا سفره گسترده رحمت حق

تصوّر رحمت بی منتهای آن وجود مقدسی که خود را در آیات قرآنش ارحم الراحمین خوانده و به این معنا هشدار داده است که سعه رحمتش کلّ موجودات ظاهری و باطنی را در بر گرفته برای هر صاحب عقلی از محالات است.

دریای رحمتش بی ساحل است، و عرصه گاه رأفتش بی کران، میدان لطفش جایگاه حیات تمام موجودات است، و برای احدی از جنبندگان مُلکی و ملکوتی نسبت به عنایتش از جانب او حرمانی وجود ندارد.

آن کس که رحمتش را محدود بداند کافر است و ناامیدی از محبتش، سیاهی کفر بر صفحه قلب است. وعده رحمت خاصه اش صد در صد عملی است و خُلُفی در آن راه ندارد. وعده عذابش گرچه دارای حتمیت باشد، از باب لطفش با حالت

توبه و انابه و تضرع و زاری قابل برگرداندن است و این برگرداندن عذاب از ابتدای وعده عذاب در متن وعده لحاظ شده است.

موجودات زنده هستی، کنار سفره رحمتش آرمیده اند، و هر يك به تناسب وجودشان از نعمت های خوان بی دریغش بهره می برند.

دست هدایتش برای نجات تمام گمراهان از خزی دنیا و عذاب آخرت دراز است و تمام درهای رضوانش به روی مؤمنان و توبه کنندگان باز است.

امید امیدواران را به یأس مبدل نکند و نیاز نیازمندان را چون به مصلحت آنان بداند برآورده نماید. درد دردمندان را شفا بخشد و اضطراب مضطربان را به امنیت تغییر دهد.

دعای اهل دعا را اجابت فرماید، و خواسته خواهندگان را از دریای رحمت بی کرانش عطا کند.

این چنین مولای مهربانی، این چنین پروردگار کریمی، وجود مبارکی که شعاع عدل و حکمت و علم و رأفت و رحمت و لطف و عنایتش از شرق وجود تمام موجودات طالع است و بر اثبات صفا و اسمائش برهان و دلیلی لازم نیست، که آفتاب آمد دلیل آفتاب. اگر به عمل اندک بنده اش اجر عظیم و خیر کثیر و مزد بیش از حد عنایت کند و از برکت عمل محدود عبدش به وابستگان به او نیز لطف و رحمت آورد ابداً جای تعجب و شگفتی نیست، که او اکرم الاکرمین و ارحم الراحمین و رب العالمین و محبّ المحسنین است. در این زمینه به روایت بسیار مهم زیر که نمایشی اندک از رحمت بی نهایت اوست توجه نمایید:

عن ابی عبد الله علیه السلام قال: ان الله عزّ وجلّ لیغفر للحاج و لاهل بیت الحاج و لعشیره الحاج و لمن یتستغفر له الحاج بقیه ذی الحجه و المحرم

و صفر و شهر ربیع الاول و عشر من ربیع الآخر. (1)

از حضرت صادق - علیه السلام - روایت شده که آن حضرت فرمود: خدای - عزوجل - مغفرتش را متوجه حاجی و زن و فرزند حاجی و قوم و قبیله زائر بیت الله و هر کسی که زائر برای او تقاضای مغفرت کرده، می نماید و این جوشش مغفرت برای تمام آنان در بقیه ماه، حج و تمام محرم و صفر و ربیع الاول و ده روز از ربیع الآخر ادامه دارد.

چهل حدیث حج، ص: 10

حدیث 7 خلوص در حج

ریا و خودنمایی در عمل و انجام برنامه عبادی، برای جلب توجه مردم و جلوه دادن خویش در دیده بینندگان از سیئات اخلاقی و رذائل روحی و باطنی است.

ریا به این معناست که انسان نهالی را در عالم معنا، در سرزمین طاعت و عبادت، با ذوق و شوق بنشانند و برای پرورش آن متحمل زحمت و رنج گردد، تا جایی که نهال به رشد و کمال برسد و به محصول دادن نزدیک گردد، آنگاه انسان از آن تیز بردارد و بدست غیر بسپارد و به او التماس و لابه نماید که بیا و با این از این نهال را از ریشه و اصل قطع کن تا من از شیرینی محصول و میوه اش محروم گردم!

آری، چه جاهلانه است که انسان فریضه ای از فرائض الهی را با زحمت و رنج انجام دهد و پیکره عبادت را بدستور حق بسازد و طاعت و بندگی را همراه با شرایط لازم بیاورد، آنگاه که عمل می خواهد به نقطه قبولی حق برسد و سبب قبولی بهشت عنبر سرشت نصیب انسان گردد، با حالتی منافقانه دنبال تماشای دیگران نسبت به عملش برخیزد

تا او را ببینند و از وی و طاعتش تعریف کنند و وی را در انظار دیگران مؤمن و متدین و با حال جلوه دهند.

بدون تردید ریا نوعی شرک و بفرموده امیرالمؤمنین - علیه السلام - رشته ای از نفاق و به گفته عرفای بیدار دل، خیانت به خویش و بنظر بینایان، تیشه ای به ریشه سعادت و کلنگی بر سر ساختمان عبادت و اطاعت است.

توقع اجر و مزد از حضرت حق، نسبت به عملی که آلوده به ریا گشته، توقعی غیر عاقلانه است؛ چراکه ریاکار عبادت را برای جلب رضای غیر بجای آورده، آنگاه اجرش را از خداوندی می طلبد که عمل، محض خشنودی او انجام نگرفته و هیچ ارتباطی به حضرتش ندارد.

انجام دهنده واجبات باید بداند که واجب الهی اگر همراه با ریا انجام گیرد، بدون شك عمل باطل است و قضای آن بر عهده او واجب.

عبادت کننده باید به این معنا توجه داشته باشد که کلید بهشت و جهنم فقط و فقط بدست اراده حضرت حق است، و روز قیامت احدی را جز حضرت حق، حق محاسبه پرونده بندگان نیست. اوست که باید عمل را بپذیرد و هم اوست که باید به عمل اجر و مزد مرحمت کند. روی این حساب نباید عمل را با تیشه ریا ریشه کن کرد و با زهر ریا کام عمل را آلوده نمود و با آتش ریا درخت عمل را سوزاند و با اژه ریا نهال عبادت را از زمین قبولی حضرت محبوب اژه کرد.

در روایات مربوط به باب واجبات و اعمال خیر آمده: در روز قیامت به ریاکاران می گویند پرونده عمل خود را نزد مردمی که برای خوش آمد آنان کار کردید ببرید و مزد زحمات خود را از آنان دریافت

کنید!

رعایت خلوص در واجبات، واجب شرعی است. نیت خالصانه باعث قبولی عمل است، نیت پاک به عمل ارزش معنوی و قیمت آخرتی می دهد. نیت صاف مرکبی است که عمل را به وادی رضایت حق می برد. خلوص نیت، کلید در رحمت حق و لطف حضرت محبوب و باعث جلب رضای دوست نسبت به عمل است.

حج فریضه ای از فرائض حق است. بر حاجی واجب شرعی است که تمام مناسک حج را با نیت خالص بجای آورد و از جلب توجه مردم نسبت به اعمالش پرهیزد که ریای در حج مبطل حج و باعث عوارض سنگینی است که گاهی قابل جبران نیست و همانطور که در روایات آمده حج ریایی در قیامت مزدش بر عهده مردمی است که حاجی در مناسک حشش تماشای آنان را منظور داشته و برای نمایاندن خویش به آنان عمل را انجام داده است!

به روایت زیر با دقت قلبی توجه کنید:

عن ابی عبد الله علیه السلام قال: الحج حجّان حجّ لله و حجّ للناس، فمن حجّ لله كان ثوابه على الله الجنة و من حجّ للناس كان ثوابه على الناس يوم القيامة. (1)

امام صادق - علیه السلام - فرمود: حج دو نوع است: حج برای خدا، و حج برای مردم. آن کس که حج را با نیت خالص و برای خدا بجای آورده ثوابش در پیشگاه حق بهشت است و هر کس حج را برای جلب توجه مردم بجای آورده ثواب و اجرش در قیامت به عهده

1- بحار، ج 69، ص 24

چهل حدیث حج، ص: 11

همان مردم است!

در حقیقت روایت می خواهد بگوید حج ریایی در قیامت هیچ گونه بهره ای نصیب عمل کننده اش نمی کند؛ چراکه اجر و ثواب در قیامت در اختیار احدی جز حضرت حق نیست.

حدیث 8 برنامه ای دیگر بجای حج

انسان گاهی برای امر معاش و اداره امور زندگی به دنبال کاری مشروع می رود، ولی موفق به تحقق هدف خود نمی گردد، اما اینطور نیست که چون کار مورد نظر انجام نگرفت کار دیگری برای اداره امور زندگی در دسترس نباشد، آنقدر عرصه گاه تلاش و کوشش دارای وسعت است که می توان صدها کار دیگر را جایگزین کاری کرد که زمینه انجامش فراهم نشد.

آدمی گاهی می بیند زمان عبادتی خاص مانند ماه مبارك رمضان فرا رسیده ولی بخاطر سفر یا مرضی که پیش آمده، از انجام آن عبادت عظیم معذور است و این عذر ممکن است تا پایان عمر برجا بماند، اینطور نیست که نتواند عمل دیگری را بجای روزه ماه رمضان قرار دهد، بلکه خداوند مهربان اطعام مساکین را برای معذور جایگزین نموده و این جایگزینی بهره مطلوب را نصیب روزه دار می نماید.

در روایت آمده که فقرای مدینه به رسول خدا عرضه داشتند، ما هم

علاقه داشتیم مانند دیگران از ثروت بهره مند بودیم و آن را در راه خداوند انفاق می کردیم، و به حل مشکلات مردم کمک می نمودیم اما دست ما از مال دنیا کوتاه است و ما در این مورد از رحمت و لطف حق محرومیم. حضرت به آنان فرمودند: ناراحت نباشید، بجای انفاق و صدقه و کمک به دردمندان که مورد علاقه شماست ولی قدرت آن را ندارید، از خداوند یاد کنید و به ذکر حضرت محبوب دل مشغول دارید که همان ثواب انفاق ثروتمندان، نصیب شما می شود و یاد خدا در پرونده شما جایگزین مالی خواهد شد که در راه خدا خرج شود.

ولی بعضی از فرائض و واجبات الهی، در صورتی که مکلف قدرت انجام آن را داشته باشد، اگر بخواهد آن را ترك نماید و بجای آن برنامه دیگر را جایگزین کند عملی در اسلام وجود ندارد که جای آنچه را تکلیف انسان است بگیرد و حج از آن نمونه برنامه هاست که اگر مکلف بخواهد آن را ترك کند و پول و خرج و مخارجش را در راه خدا بگذارد، یا عمل دیگری را بجای حج انجام دهد، خلأ حج را در پرونده پُر نمی کند و گناه ترك آن در پرونده انسان ثبت است و هیچ ثوابی جای آن را نخواهد گرفت، در این زمینه به روایت زیر توجه نمایید:

عن ابی عبد الله علیه السلام قال: لما افاض رسول الله - صَلَّى الله عليه و آله - تلقاه أعرابي في الأبطح فقال: يا رسول الله إني خرجت أريد الحج فعاثني عائق و أنا رجل ملئ كثير المال فمُرني أن أصنع في مالي ما أبلغ ما بلغ الحاج قال: فالتفت رسول الله - صَلَّى الله عليه و آله - إلى أبي قبيس فقال: لو أنّ أبا قبيس لك، زنته ذهبه حمراء أنفقته في سبيل الله ما بلغت ما بلغ الحاج. (1)

امام صادق - ع - می فرماید: زمانی که رسول با کرامت اسلام به حج خود پایان داد، عربی در سرزمین مکه با حضرت روبرو شد، و عرضه داشت ای رسول خدا، از منزل به نیت حج درآمدم، ولی مانعی بر سر راهم قرار گرفت و مرا از زیارت بیت و مناسک آن مانع شد، در حالی که دستم از ثروت و مکنت پر است، اکنون مرا امر کن که مالم را در برنامه ای بریزم که به آنچه حاجیان از ثواب رسیدند، برسم حضرت رو بجانب کوه ابوقبیس کردند و فرمودند: اگر به وزن آن طلای قرمز در راه خدا انفاق کنی به آنچه حاجیان از ثواب رسیدند نمی رسی!

-

1- ثواب الاعمال، ص 43؛ بحار، ج 96، ص 26

حدیث 9 دعا برای رسیدن به عرصه گاه حج

دعا و درخواست، تضرّع و زاری بدرگاه حضرت حق، عبادتی بزرگ و حسنه ای عظیم و عملی محبوب خداوند کریم است.

گدایی برای تهیدستی چون انسان، از ذات مقدسی که مستغنی از عالمین است، و باب خزانه مُلک و ملکوتش به روی همه موجودات باز است کاری نیکو و راهی به حلّ مشکلات، و نردبانی برای رسیدن به اهداف عالیّه، و مسائل الهیه است.

در قرآن مجید امر الهی به دعا صادر شده، و خود حضرت حق ضامن اجابت گشته.

دعا و مناجات، در حقیقت ارتباط عاشقانه عاشق با معشوق حقیقی و پیوند باطنی محبت با محبوب ازلی و ابدی است.

حیات قلب، نشاط جسم، نور زندگی، سلامت روان، صفای باطن، دعا و انابه و زاری به درگاه حق است.

دعا سلاح انبیا، کار ملائکه، روش ائمه طاهرین، عمل عارفان، فعل عاشقان، و سیر والهان حریم مهر و محبت است.

حیات بدون دعا، زندگی منهای اشک و زاری، حیات جمادی است.

نیاز انسان به دعا نیازی مبرم و احتیاجش به گریه و زاری در پیشگاه حق احتیاجی طبیعی است.

گریه بر هر درد بی درمان دواست *** چشم گریان چشمه فیض خداست

تا نگرید طفل کی نوشد لبن *** تا نگرید ابر کی روید چمن

تا نگرید طفلك حلوا فروش *** دیگ بخشایش نمی آید بجوش

آن که نسبت به دعا کبر ورزد، آن که احساس نیاز به دعا نکند، آن که خود را محتاج به انابه و تضرع نداند، از گروه مستکبران و به فرموده کتاب حق، مستحق عذاب الهی است.

در مسأله با عظمت حج، گرچه استطاعت شرط شده اما به غیر مستطیع اجازه داده شده برای تحقق استطاعت جهت انجام مناسک حج دعا کند و از حضرت محبوب بخواهد از خزانة غیبش زمینه استطاعت او را فراهم کند تا به انجام این فریضه بزرگ و بدست آوردن ثوابهای بی حساب آن موفق شود؛ روایت زیر ناظر به این معناست:

عن عبد الله بن الفضل قال: قلت لأبي عبد الله - عليه السلام - إنَّ عليَّ ديناً كثيراً و لي عيال و لا أقدر على الحجِّ فعلمني دعاءاً أدعو به فقال: قل في دبر كلِّ صلاة مكتوبة:

اللهم صلِّ على محمد و آل محمد و اقض عني دين الدنيا و دين الآخرة. فقلت له: اما دين الدنيا فقد عرفته فما دين الآخرة؟ فقال: دين الآخرة الحج. (1)

1- بحار، ج 96، ص 27

چهل حدیث حج، ص: 12

عبد الله بن فضل می گوید: به حضرت صادق - علیه السلام - عرضه داشتم، قرض زیادی بعهده دارم، عائله مندم، قدرت بر حج ندارم مرا دعایی بیاموز که از برکت آن دعا توفیق حج پیدا کنم، امام فرمود بدنبال هر نماز واجب بخوان:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اقْضِ عَنِّي دِينَ الدُّنْيَا وَ دِينَ الْآخِرَةِ.

خداوندا! درودت را نثار محمد و آل محمد کن، و دین دنیا و آخرت مرا ادا بنما.

گفتم: ای فرزند رسول خدا، دین دنیا برایم معلوم و روشن است، دین آخرت چیست؟ فرمود: دین آخرت حج است.

ملاحظه کنید حج خانه حق در چه درجه ای از اعتبار و اهمیت است که امام صادق به راوی نفرمود، با کثرت قرض و عیالواری تو را به مسأله حج چکار است، اکنون که مستطیع نیستی چه طمع می به مناسك حج داری، بلکه با عشق محبت برای تحقق استطاعت دعا تعلیم او فرمود، تا از این سفره پر نعمت حق و از این مائده معنوی بهره کثیر عاید او گردد!

حدیث 10 حج یا ضیافت خاص حق

پهنه هستی، خوان نعمت حق است و عرصه گاه وجود، سفره رزق و روزی خداوند کریم و تمام موجودات. عالم بر سر این مائده نامحدود مهمان وجود مقدس حضرت ارحم الراحمینند.

ولی باید بدانیم که مجموع این نعمت ها نعمت مادی و روزی ظاهری و رزق طبیعی خدا است که تمام موجودات زنده، به لحاظ داشتن جسم مادی، بطور مشترك بر سر این خوان نعمت دوست، مهمانند.

ولی حضرت حق را سفره دیگری است بعنوان نعمت باطنی یا معنوی، که در قرآن مجید بطور مکرر به این سفره اشاره شده است و این سفره خاص انسان است، آنهم انسانی که از ایمان به خدا و روز قیامت برخوردار است و در حدّ خود، عامل به احکام شریعت و سالك سلك حقیقت است؛ چرا که انسان منهای ایمان به خدا و روز قیامت و عاری از اعمال صالح و اخلاق پسندیده، جزو حیوانات است و نصیبی جز از سفره مادی حضرت محبوب ندارد.

مهمان سفره معنوی مهمان خاص خداست، و از ارزش بالایی برخوردار است.

در این ضیافت از عقل و قلب و روح و باطن انسان با رزق معنوی پذیرایی می کنند، و حیات عمومی آدمی را تبدیل به حیات طیب می نمایند و این مزد دنیایی انسان در مقابل فرمانبری و طاعت او از حضرت حق است. اما در ضیافت آخرت، پذیرایی از مهمان ابدی و همیشگی و جاوید و سرمدی است، لذات معنوی بر سر سفره قیامت لذاتی است که جز حضرت حق کسی از آن خبر ندارد، حتی مهمان تا قبل از بهره بردن از نعمت های آن مائده، از درک و فهم آن عاجز است. به دورنمایی از این ضیافت معنوی در روایت زیر توجه نمایید:

محمد بن الحسن الهمدانی قال: سألت ذا النون البصري قلت: يا ابا الفيض لم صير الموقف بالمشعر و لم يصير بالحرم؟ قال: حدثني من سأل الصادق - عليه السلام - ذلك فقال: لأنّ الكعبه بيت الله الحرام و حجابها و المشعر بابها فلما ان قصده الزائرون وقفهم بالباب حتى أذن لهم بالدخول، ثمّ وقفهم بالحجاب الثاني وهو مزدلفه فلما نظر إلى طول تضرّعهم أمرهم بتقريب قربانهم فلما قربوا قربانهم و قضوا تفتّهم و تطهّروا من الذنوب التي كانت لهم حجاباً دونه، أمرهم بالزياره على طهاره. قال: فقلت: لم كره الصّيام في أيام التشريق؟ فقال: لأن القوم زوّار الله و هم في ضيافته، و لا ينبغي للضيف أن يصوم عند من زاره و أضافه!

قلت: فالرجل يتعلق بأستار الكعبه ما يعنى بذلك؟ قال: مثّل ذلك مثّل الرجل يكون بينه و بين الرجل جنایه فيتعلّق بثوبه يستخذى له رجاء

أن يهب له جرمه. (1)

محمد بن حسن همدانی می گوید: از ذالنون بصری پرسیدم: ای ابوفیض چرا موقف زائر را مشعر قرار دادند و این معنا مربوط به حرم نشد؟

در پاسخم گفت: کسی که این مسأله را از حضرت صادق - ع - پرسیده بود به من گفت: برای این که کعبه خانه خدا و حرم حجاب اوست، و مشعر باب آن حرم است، چون زائران قصد حرم حق کنند، آنان را کنار باب حرم متوقف می کند، تا برای آنان اجازه ورود صادر گردد، سپس زائر را در حجاب دوم که سرزمین منا است وقوف می دهند، چون به تضرّع و زاری طولانی آنان بنگرد، امر به قربانی می دهد، وقتی قربانی خود را به محضرش تقدیم کردند و اعمال منا را به پایان بردند و از گناهان خود که حجاب بین آنان و حضرت محبوب است پاک شدند، به آنان بر اساس آن طهارت معنوی، امر به زیارت می کند.

به حضرت عرضه داشتم چرا در ایام تشریق روزه گرفتن کراهت دارد، فرمود: برای این که حاجیان زائران خدا و در ضیافت و مهمانی حضرت اویند، سزاوار نیست که مهمان در محضر مهمان دار روزه باشد.

گفتم: حاجی پرده خانه را می گیرد، منظور از این برنامه چیست؟ فرمود: مثل کسی که پرده را می گیرد، همچون کسی است که بین او و انسان دیگری جنایتی واقع شده باشد از باب فروتنی دامن طرف خود را می گیرد، به امید آن که طرف مقابل از جنایتش بگذرد،

-

1- بحار، ج 96، ص 34

چهل حدیث حج، ص: 13

گرفتن پرده کعبه به این معناست که: الهی از معاصی و گناهان من گذشت فرما و مرا مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ده.

حدیث 11 حج یا منبع عظیم منافع مادی و معنوی

انسان از برکت نیروی با عظمت عقل، و اراده و اختیار و قدرت و طاقت، موجودی است مکلف و مسؤول. این خلیفه خدا در روی زمین، نسبت به هر واقعیتهایی که با آن در ارتباط می باشد مسؤول است.

نسبت به خود مسؤول سلامت جسم و جان و حفظ خویش از خطرات، و مسؤول تحقق رشد و کمال و خیر و سعادت، و آبادی دنیا و آخرت است.

در تحقق اهداف حق، و اطاعت از دستورات پروردگار و خودداری از محرمات که محصولی جز زیان و خسارت ابدی ندارد مسؤول است.

نسبت به پدر و مادر، زن و فرزند، اقوام نزدیک و دور، و همه انسانهایی که با آنان مربوط است دارای مسؤولیت است.

این مسؤولیت ها از جانب خداوند کریم، رحیم، ودود، غفور، رزاق، رحمان، قدوس، مهیمن، عزیز، حکیم و حلیم به او واگذار شده، که این واگذاری مسؤولیت از جانب حضرت حق به انسان، عین لطف

و رحمت حضرت اوست. آنان که به این معنا واقفند و برای آنان این حقیقت شیرین روشن است، با تمام وجود عاشق تکالیف و وظائف خود هستند.

اهل معرفت جان خود را در راه انجام وظائف و تکالیف، نثار حضرت محبوب کردند و تحمل همه گونه رنج و مشقت را در مسیر ادای تکالیف بر دوش جان هموار نمودند.

آنها به این واقعیت بصیرت داشتند که هر مسؤولیت و تکلیفی، کارخانه تولید منافع دنیایی و آخرتی است و رضای حق و بهشت عنبر سرشت و حیات طیبه میوه شیرین شجره طیبه مسؤولیت است و اگر کسی بخواهد به حیات طیبه در دنیا و خشنودی حق و بهشت ابد در آخرت برسد، راهی جز ادای تکالیف و پیاده کردن مسؤولیت ها ندارد.

حج مسؤولیتی است عظیم که از جانب حضرت حق، از باب لطف و رحمت به انسان واگذار شده، انجام این عبادت بزرگ همراه با نیت پاک، و قلبی خالص تولید کننده بهره های بسیار مهم دنیایی و آخرتی است که روایت زیر نشانگر گوشه ای از آن منافع سرشار، و محصولات بی شمار است.

عن الرضا - علیه السلام - : «لله الحج الوفاة الى الله - عز وجل - و طلب الزيادة و الخروج من كل ما اقترب، و ليكون تائباً مما مضى، مستأنفاً لما يستقبل، و ما فيه من استخراج الأموال، و تعب الأبدان، و حظرها عن الشهوات و اللذات، و التقرب في العبادة الى الله - عز وجل - و الخضوع و الاستكانة و الذلّ، شاخصاً في الحرّ و البرد، و الأمن و الخوف، ثابتاً في ذلك دائماً، و ما في ذلك لجميع الخلق من المنافع و الرغبة و الرهبة الى الله - عز وجل - و منه ترك قساوه القلب

و خساسة الأنفس و نسيان الذكر و انقطاع الرجاء و الأمل، و تجديد الحقوق و حظر الأنفس عن الفساد و منفعه من في المشرق و المغرب و من في البرّ و البحر و ممن يحجّ و ممن لا يحجّ من تاجر و جالب و بايع و مشتر و كاتب و مسکین و قضاء حوائج أهل الأطراف و المواضع الممكن لهم الاجتماع فيها، كذلك ليشهدوا منافع لهم.

و عله فرض الحج مرّه واحده لأنّ الله - عز وجل - وضع الفرائض على أدنى القوم قوه، فمن تلك الفرائض الحج المفروض واحد، ثمّ رغب أهل القوه على قدر طاقتهم. (1)

از حضرت رضا - علیه السلام - روایت شده: آنچه موجب وجوب حج گشته امور زیر است:

سفر معنوی و پرواز ملکوتی و حرکتی عرشی به سوی خدای - عزوجل - و درخواست اضافه شدن نعمت های مادی و باطنی از جانب حضرت محبوب و پاک شدن از تمام گناهانی که قبل از حج در تمام دوران عمر دامن پاک حیات را آلوده کرده است، و برای قرار گرفتن در مدار توبه از آنچه که در گذشته از زمان، بر انسان گذشته و از سر گرفتن اعمال برای آینده همانند کسی که تازه قدم در عرصه تکالیف گذاشته و چیزی بر او نیست.

در این مسؤولیت سنگین و با برکت خرج کردن مال و منال در راه خدا و مشقت و رنج بدنی و باز داشتن نفس از شهوات و لذات حرام و افتادن در حوزه عاشقانه قرب بحق از طریق عبادت و بندگی به چشم می خورد.

حج باعث طلوع صفت نورانی خضوع و استكانت و ذلت از مشرق

-

1- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 90؛ بحار، ج 96، ص 32

چهل حدیث حج، ص: 14

وجود عبد، در افق حریم مقدس حضرت ربّ الأرباب است.

حج سیر و سفر و تحرك و حرکت در گرما و سرما و بهنگام امنیت و ترس و ثابت قدمی و استقامت دائمی در امور الهی و معنوی است، که این امور علّت جلب رحمت واسعه حق، و لطف و مرحمت حضرت مولاست.

در این سفر منافع بسیاری برای مردم است و در این عرصه گاه حق و حقیقت شوق به لقای دوست و ترس از عظمت و جلال او، قلب را تسخیر می کند.

در برخوردهای مردم با یکدیگر در این سفر معنوی، و ظهور حال و قال ملکوتی و نشست و برخاست با پاکان، که معاشرت با آنان از برکات این سفر است، يك سلسله از دردهای درونی و بیماریهای باطنی به نقطه شفا می رسد از جمله: قساوت قلب، پستی نفس، غفلت از حق، خاموش شدن آتش آمال و آرزوهای بیجا.

در این سفر زائر بیت موفق به تجدید حقوق، و وادار کردن نفس به تقوای الهی می گردد، و زمینه خیر دنیا و آخرت خود را از طریق حفظ نفس از فساد و افساد فراهم می نماید.

این سفر منبع خیر و برکت برای اهل مشرق و مغرب، و اهل آب و خشکی است، و نیز برای آن که حج بجا می آورد و آن که در این مسیر نیست از تاجر فراهم کننده جنس، و فروشنده و خریدار و نویسنده و از کار افتاده و خلاصه برنامه ای عجیب، و مسأله ای عظیم و عبادتی بزرگ است که هر کسی از اهل زمین، بصورتی از منافع آن بهره مند می شود! برنامه حج قضا کننده حوائج مردم اطراف آن سرزمین و موضعی است که اجتماع برای اهل آن ممکن است تا شاهد بهره های آن

برای خود باشند.

واجبات الهی بر اهل قدرت و استطاعت فرض است. مردمان را گاهی در تمام عمر يك بار برای سفر حج قدرت و قوت حاصل می شود، به این خاطر در تمام دوره عمر يك بار واجب شده، ولی اهل طاقت و قدرت ترغیب و تشویق شده اند که نسبت به حج به اندازه توان و قوت خود اقدام نمایند.

حدیث 12 حج انجام داده را از آفات حفظ کنید

تصور گروهی از مردم که از آیات قرآن مجید و کلمات گهربار اهل بیت و انبیا و اولیا خبر ندارند، بر این است که آنچه از عمل صالح و اخلاق پسندیده و کار خیر و امور برّ از انسان صادر شده دوام و بقای آن ابدی و همیشگی است، و هیچ عاملی قدرت از بین بردن آن را ندارد و روز قیامت در پرونده انسان لحاظ می گردد، و به مقتضای آن، اجر و مزد داده می شود در حالی که این تصور و خیال ریشه شرعی و عقلی ندارد، بلکه آیات و روایات دلالت بر این معنا دارد که اگر انسان تا لحظه خروج از دنیا، تقوا و پاکی و خویشی داری از گناه و خودداری از معاصی را حفظ نکند، دچار حبط عمل و به باد رفتن خوبیها و منهدم شدن ساختمان ایمان و عمل صالح و اخلاق حسنه می شود.

در بسیاری از روایات آمده که رسول خدا بطور دائم نسبت به حوادث بعد از خودشان اعلام ترس و وحشت می فرمودند، وحشت از این که در طوفان حادثه ها ایمان مردم از دست برود و بنای اعمال صالح آنان ویران گردد.

رسول خدا نسبت به مردم بعد از خود و مسلمانان آینده، تعبیر به مارقین، قاسطین و ناکثین داشتند، آنان که از عرصه گاه ایمان چون تیر از کمان بدر روند و گروهی که پای از جاده حق بیرون نهند و جمعیتی که عهد و پیمان الهی خود را بشکنند و دین به دنیا معامله کنند.

رسول حق در روایت مفصّلی از مردم آخر زمان خبر می دهند که نماز را ترك نمایند و پیرو یهود و نصاری شوند و به قبول فرهنگ کفر و شرك و نفاق تن دهند، و غرق در شهوات و لذات حرام گردند، و جز سفره حرام در منازل نیندازند و زنان و دخترانشان از حجاب عاری شوند و خلاصه ایمان و عمل صالح را درازند و دچار بیدینی و فساد گردند.

بنا به آیات قرآن و روایات و تاریخ، چه بسیار مردم مؤمن و مؤدب به آداب حق بودند که بخاطر مال دنیا و جاه و مقام ظاهری و شهوات و لذات زودگذر، از دایره حق بیرون رفته و با شیطان همدست شده و بنای شخصیت خود را ویران نموده و خویششان را مستحق عذاب ابد کرده اند.

در آثار اسلامی آمده است که قارون به مدت بیست و پنج سال معلّم تورات و استاد احکام الهی و مدرس مسائل دینی بوده و با موسی بن عمران هماهنگی داشته، ولی مغرور ثروت مادی شد و عاری از حق و حقیقت گشت و دین به دنیا فروخت، و عاقبت دچار زمین گرفتگی و عذاب الهی شد.

بنابر این، ایمان و عمل صالح در معرض انواع خطرات و آفات

است و بر مؤمن واجب و لازم است بنای دین و ساختمان عمل صالح را با قدرت و تقوا و یاد خدا و توجه به قیامت و صبر و استقامت و تداوم طاعت و عبادت و كمك گیری از حضرت حق و توسل به پاکان حفظ نماید و سعی کند آنچه برای آخرت خود ذخیره نموده، از دستبرد شیاطین و غارت غارتگران محفوظ بماند.

روایت مهم زیر، که به وسیله امیر المؤمنین - علیه السلام - از قول رسول خدا نقل شده، به همین حقیقت توجه داده و حاجی و زائر بیت الله را نسبت به این معنا هشدار می دهد:

انه نظر الى قطار جمال للحجيج فقال: لا ترفع خفّاً الا كُتبت لهم حسنه، و لا تضع خفّاً الا محيت عنهم سيئه و اذا قضاوا مناسكهم قيل لهم بنيتم بناءً فلا تخدموه، و كفيتهم ما مضى فاحسنوا فيما تستقبلون. (1)

رسول الهی به قطاری از شتران که حاجیان را برای زیارت خانه خدا می برد، نظر فرمودند و گفتند: قدمی بر نمی دارند مگر این که برای آنان حسنه ای ثبت و گناهی محو می شود، چون از مناسك فارغ شدند و ادای مسؤولیت را به پایان بردند به آنان اعلام شود، بنایی را بنا کردید، آن را خراب نکنید، و آنچه بر شما گذشت شما را کفایت کرد، برای آینده خود به نیکی کردن و انجام عمل صالح و طاعت و عبادت برخیزید.

1- بحار، ج 96، ص 50؛ دعائم الاسلام، ج 1، ص 294

چهل حدیث حج، ص: 15

حدیث 13 زیارت کعبه معظمه

کعبه، بنا به فرموده قرآن مجید، اولین خانه ای است که برای مردم بنا شده و هدایتگر عالمیان است.

طرح و نقشه کعبه، به اراده حق، توسط امین وحی به اولین سفیر خداوند ارائه شد و بنای آن برای عبادت و به عنوان جهت به سوی معبود یکتا برپا گشت.

کعبه پس از طوفان نوح، بوسیله پیامبر اولوالعزم خداوند، حضرت ابراهیم، و یاری فرزند با کرامتش حضرت اسماعیل بازسازی و از آن پس محل مناسک عظیم حج و جایگاه راز و نیاز و توبه و انابه و نماز و طاعت و طواف و زیارت و سرزمین وحی و کرامت و موضع نزول ملائکه رحمت و موقف انبیا و اولیا شد.

صفا و مروه، که از شعائر الهی است و حجرالاسود که جهتی است برای بیت مؤمنان با حق و مقام ابراهیم که محل عبادت خاص است و سرزمین پاک و با برکت عرفات که نقطه رسیدن عبد به مغفرت و رحمت قطعی خداوند است و مشعرالحرام که جایگاه یاد خدا و مرکز استغفار و مناجات است و سرزمین عجیب مناکه محل رمی جمرات و طرد شیاطین حیّ و انسی و جای قربانی به نشانه قربان کردن وجود خویش در حرم حضرت مولاست، همه و همه شعاع این خانه و وابسته به این بیت و از شؤون زیارت کعبه مشرفه و حرم حضرت محبوب است.

ساکنی برای این بیت جز معنویت و صاحبی برای این خانه غیر از حضرت حیّ و قیوم نیست. خانه ای است که قبل از خلقت مخلوق مورد نظر بوده و پهنه زمین از محل این خانه به ظهور رسیده است.

این جایگاه با عظمت در ظاهر و باطن برای انسان دارای امنیت است و هر کس در این محل به هر نوعی به کسی ستم روا دارد، به عذاب الیم آخرت دچار خواهد شد.

کعبه بنا به فرموده امام ششم در هر روز محل طواف هفتاد هزار ملک خداوند است.

طواف هفتاد هزار فرشته در هر روز، نشانه عظمت بیت در نزد قدسیان و پرده نشینان حرم حضرت مولاست.

بقعه ای در روی زمین محبوبتر از کعبه نزد خداوند نیست، جایگاهی با کرامت تر از آن در پیشگاه حضرت حق وجود ندارد.

برای زائر این بیت، ثوابها و حسناتی مقرر شده که برای زائر هیچ زیارتگاهی مقرر نگشته است!

اما این همه، تا زمانی است که پیشوا و امام زائر، در تمام برنامه های زندگی، امام تعیین شده از جانب حق باشد و بویی از شرك در وجود زائر به مشام ملك و ملكوت نرسد.

امام صادق - علیه السلام - فرمود: کسی که به زیارت کعبه بیاید و بر حق و حرمت ما، هم چون حق و حرمت کعبه عارف باشد، از مکه خارج نمی شود مگر این که گناهانش مورد غفران قرار گیرد، و خداوند

مهم از امر دنیا و آخرتش را کفایت می کند. (1)

کعبه خانه خداوند است. محل نزول فرشتگان و مطاف عرشیان و قدوسیان است. جایگاه نزول رحمت خاص حضرت معبود است. موقف استجاب دعا است، مرکز عبادت و راز و نیاز و توبه و انابه و موضع برآورده شدن حاجت حاجتمندان و نیاز نیازمندان و شفای درد دردمندان و رفع مسکنت مستمندان و جای عبادت عاشقان و محل مستی عارفان و شور شوریدگان است.

آن که مأموم امام هدایت و قلبش منور به نور توحید، روش و راهش سنت پیامبر، کتابش قرآن، و بحق و حقیقت شیعه اهل بیت و شیفته امامان معصوم و عاشق حضرت معبود است، چون وارد مسجدالحرام شود و گوشه ای بنشیند و جز نظر دوختن به کعبه کاری نکند، نظرش به کعبه بعنوان عبادت حق قلمداد شود؛ عبادتی که حوزه جاذبه رحمت خاصه الهی است. حال ببینید انجام سایر عبادات و مناسک که طبیعتاً همراه با نظر به کعبه انجام می گیرد، چه عبادت پر بهره و چه برنامه با منفعتی است.

به حدیث زیر در این زمینه توجه نمایید:

عن ابی ذر عن النبی - صلی الله علیه و آله - قال: النظر الی علی بن ابی طالب - علیه السلام - عباد و النظر الی الوالدین برأفه و رحمه عباد و النظر فی الصحیفه - یعنی صحیفه القرآن - عباد و النظر الی الکعبه عباد. (2)

1- محاسن برقی، ص 69

2- بحار، ج 96، ص 60؛ امالی طوسی، ج 2، ص 70

چهل حدیث حج، ص: 16

ابوذر از رسول خدا روایت می کند: دیده دوختن به علی بن ابیطالب، نگاه به پدر و مادر به مهر و رحمت، نظر بر صفحه کتاب خدا و چشم انداختن به کعبه، عبادت است.

چه حدیث عجیبی است که کعبه و قرآن و امام تعیین شده از جانب حق را در عرض هم آورده، که مناسک را از قرآن بگیرید، و توضیحش را از امام معصوم بخواهید، آنگاه به دلجویی پدر و مادر برخیزید، سپس به زیارت کعبه حرکت کنید تا به بهره های عظیم این زیارت دست یابید.

صفحه 15 حدیث 14 ختم قرآن در مکه

ابتدای نزول قرآن مجید بر قلب عرشی رسول اسلام - صلی الله علیه و آله - در شهر مکه، در کنار غار حرا به صبح بیست و هفتم ماه رجب بود.

در آن صبح روشن، از هر طرف، هفتاد هزار فرشته به ریاست امین وحی، عبد صالح الهی را در آغوش لطف و رأفت گرفتند و آیات شریف سوره علق را بر حضرت قرائت کردند:

بخوان بنام پروردگارت، آن وجود مقدسی که مالک و مربی است و به اراده حکیمانه اش تمام موجودات را بدون این که به آنان نیاز داشته باشد آفرید.

آن خدایی که انسان را از علق بوجود آورد، بخوان و آن مربی و مالکی را که گرامی تر و بزرگوارتر از همه کریمان است. وجود مبارکی که انسان را دانش نوشتن بهمراه قلم آموخت و به انسان آنچه را نمی دانست تعلیم فرمود.

قرآن برای هدایت بشر از ضلالت و گمراهی آمد و برای نشان دادن صراط مستقیم حق، بر قلب سفیر حق نازل شد.

قرآن برای رشد اندیشه و ایجاد تفکر صحیح و تجلی دادن ایمان به خداوند و روز قیامت در قلب و تعلیم دادن راه عمل صالح و آراستن انسان به اخلاق حسنه نازل گشت.

قرآن برای ساختن دنیای آباد و آخرتی با بنیاد و ایجاد حیات طیبه و عیش راضیه و فضایی پاک در زندگی بشر بر سینه رسول مظهر تجلی کرد.

آنچه مربوط به گذشته عالم و آینده جهان و نیز داروهای شفابخش بیماریهای معنوی و قواعد نظم دهنده به حیات انسانی است، در قرآن مجید یافت می شود.

کتاب خدا وعظ و موعظه الهی به انسان و شفابخش سینه های دردمند و هدایتگر بشر و رساننده بنی آدم به رحمت واسعه الهی است.

پیوند با قرآن، پیوند با حق، پیوند با انبیا، پیوند با اولیا، پیوند با ولایت و پیوند با قیامت است.

قرائت قرآن قلب را جلا می بخشد، سینه را صفا می دهد، بار تحمیلات شیطانی را سبک می نماید، راه را به انسان نشان می دهد. نفس را به عرصه گاه سلامت می برد. مشکلات را آسان می کند. خانه را مورد توجه ملکوت و پرده نشینان حرم قدس می نماید و از انسان موجودی مستقیم، سالم، مؤمن، همراه با رأفت و رحمت می سازد.

قرآن ذکر است و هر کس از این ذکر روی برتابد، شیطان قرین و همنشین او گردد و چون این روی گردانی ادامه یابد، چیرگی شیطان بر غافل از ذکر، حتمی شود و در نهایت رخ برتافته از کتاب الهی جزء حزب شیطان گردد!

برای قرآن مجید سه نوع قرائت هست که قاری قرآن با تحقق این سه نوع در طول یکدیگر اهل قرآن می شود و گرنه به قول رسول حق: چه بسا قاریانی که قرآن می خوانند و قرآن مجید آنها را لعنت می کند. و این سه نوع عبارتند از:

1- قرائت قوی 2- قرائت حالی 3- قرائت فعلی

قرائت قوی؛ خواندن آیات قرآن مجید با زبان است.

قرائت حالی؛ رعایت توجه قلبی به قرآن و اخلاص و خلوص و از همه مهمتر تصدیق قطعی و یقینی تمام مفاهیم کتاب الهی است، بطوری که هیچ شك و تردیدی در کنار آن تصدیق و یقین راه پیدا نکند.

و قرائت فعلی؛ به این است که چشم و گوش و زبان و دست و شکم و شهوت و قدم در تمام شوون زندگی، هماهنگ با قرآن عمل کنند.

قاری اگر این سه نوع قرائت را تحقق دهد اهل قرآن و بنده مخصوص خداوند است، ورنه قرائتش قرائتی بی فایده و خواندنش خواندنی بی ثمر است.

قرائت قاری باید فریادی علیه ستمگران، صیحه ای علیه شیاطین، اسلحه ای علیه هوای نفس، نوری در حیات، اخلاقی در نفس، اخلاصی در باطن، عملی در ظاهر، حرکتی در سبیل و راه و صراط حق، تفکری در آیات الهی و زمینه ای برای خودسازی و رشد و تکامل باشد.

زائر بیت الله از جانب رسول حق و ائمه طاهرين - عليهم السلام - دعوت شده که در سفر حج گرچه برای يك بار در مکه و اگر بتواند در مسجدالحرام از ابتدا تا انتهای قرآن کریم را قرائت کند و به تعبیر روایات يك ختم قرآن بجای آورد.

اگر زائر بیت حق، به صورتی که در سطور گذشته، آمد يك ختم قرآن کند به بهره های شگفت انگیزی دست یابد که به قسمتی از آن بهره ها و منافع، در حدیث زیر اشاره شده:

عن ابی جعفر - علیه السلام - قال: من ختم القرآن بمکه لم یمت حتی یری رسول الله - صلی الله علیه و آله - و یری منزله من الجنة. (1)

حضرت باقرالعلوم - ع - فرمود: کسی که در مکه به ختم قرآن موفق شود نمیرد مگر این که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - را زیارت کند و جایگاهش را در بهشت ببیند.

-

1- بحار، ج 96، ص 82

چهل حدیث حج، ص: 17

حدیث 15 دو عبادت برتر

از نعمت های بزرگ حضرت حق به انسان زبان است.

زبان واسطه بین باطن و ظاهر آدمی است؛ به این معنا که تمام انسانها مکنون ضمیر خود را بوسیله زبان اظهار می کنند و خواسته های باطن را با زبان بیان می نمایند. زبان شهادت دهنده به توحید و رسالت و امامت است.

زبان شهادت دهنده در دادگاه عدل به نفع صاحب حق است.

نماز و قرآن و دعا و مناجات و راز و نیاز به وقت سحر با زبان انجام می گیرد.

امر به معروف، نهی از منکر، هدایت گمراه، ارشاد از حق دور شده، اصلاح ذات البین، اعلام محبت و رحمت بدیگران، همه و همه کار زبان است.

قول حق، قول صدق، قول عدل، قول حسن، قول بر حسن، قول کریم، قول لین، قول ایمان، قول سدید، قول معروف و قول بلیغ، از محسنات زبان و از آثار این نعمت بزرگ الهی است.

شکر قولی و حمد زبانی در کنار هر نعمت کار زبان، و عمل این عضو عرصه گاه حیات فوق العاده مهم است.

نشر علم، بیان حق، ذکر محبوب، اثبات حقیقت، ردّ باطل، انتقاد سازنده، از شؤون زبان است.

غیبت، که بقول قرآن در سوره حجرات بمانند خوردن گوشت میّت است، آنهم میّتی که برادر ایمانی انسان است و بقول حضرت سید الشهدا - علیه السلام - غذای سگان جهنم است، از زشتی ها و اعمال ناروای زبان می باشد.

تهمت، فحش، بدگویی، مسخره کردن، شایعه انداختن، تحقیر کردن مردم، تکذیب حق، تصدیق باطل، بیهوده گویی، یاوه بافی، گمراه کردن مردم مؤمن، همه و همه کار زبان است.

بحقیقت باید گفت: زبان دری از درهای بهشت، یا بابی از ابواب عذاب ابد و جهنم سوزان است.

با زبان می توان خشنودی حضرت حق، یا سخط و غضب آن وجود مقدس را خرید.

زائر بیت الله از ابتدای سفر، باید به پرهیز از هر نوع سخن باطل اقدام و خود را به گفتار حق عادت دهد، و در این مسیر الهی آنچنان بکوشد که چون به وطن برگشت غیر حق نگوید، و غیر حق نجوید.

در بحارالانوار، ج 71، ص 296 از رسول اسلام نقل شده: زبان را جز به سخن خیر بکار نگیر.

در روایات بسیاری آمده که صَمْتُ را همه جا و همیشه رعایت کنید.

صمت؛ چنانکه در آثار اسلامی آمده، به معنای سکوت زبان از سخنان باطل و یاوه و خودداری از تمام گناهان مربوط به زبان است.

صمت از نظر رسول بزرگوار اسلام از چنان ارزشی برخوردار است که به نقل فیض کاشانی در محجه البیضاء، ج 5، ص 194 از قول حضرت آمده:

من کان يؤمن بالله و الیوم الآخر فلیقل خیراً أو لیصمت.

آن که ایمان به خدا و قیامت دارد، باید خیر بگوید یا سکوت کند.

آری سکوت از سخنان ناروا، بدون شك باب نجات، روشنی بخش جان، حیات قلب، نشاط باطن، و نور دل است.

از بهترین مواقع تمرین برای تحقق صمت سفر حج است، چه نیکوست که زائر بیت وقتی سوار بر مرکب است، زبان به ذکر حق مشغول کند و چون در مسافرخانه همراه با همسفران است، حق گویی کند و چون به زیارت بیت یا زیارت رسول حق یا ائمه بقیع می رود، مشغول زیارت و دعا و حمد و ثنای حق، و بخصوص راز و نیاز با معبود باشد.

در حقیقت در این سفر می توان دو عبادت برتر به ثبت پرورده خود رساند: حرکت برای زیارت بیت و صمت، در این زمینه به روایت بسیار مهمی که از اهل بیت رسول مکرم حق رسیده توجه کنید:

عن ابی عبد الله - علیه السلام - قال: ما عبد الله بشيء أفضل من الصمت و المشی الی بیه. (1)

از امام صادق - علیه السلام - روایت شده که آن حضرت فرمود:

-

1- خصال، ج 1، ص 21؛ بحار، ج 96، ص 103

چهل حدیث حج، ص: 18

خداوند به چیزی بهتر و برتر از سکوت و رفتن به سوی کعبه، عبادت نشده است!

حدیث 16

مال و سلامت بدن، ثروت و صحت جسم دو نعمت بزرگ حق و دو عنایت خاص الهی به انسان است.

مال و ثروت اگر از طریق حق بدست آید، و در طریق حق خرج شود، راهی برای رسیدن به فیوضات الهی و عنایات ربّانی می گردد.

دنبال مال حلال رفتن عبادت است. زحمت کشیدن برای به چنگ آوردن ثروت پاک، بندگی خداست.

مصرف نمودن مال برای خود و زن و بچه، دستور حق و اطاعت از این دستور حرکت در مسیر حق است.

خرج کردن مال در راه رفع نیازِ نیازمندان و درد دردمندان و حاجت مستمندان عین عبادت است.

مال کلید در بهشت و جایگاه رضایت حق و باعث ثواب عظیم اخروی است.

اگر کسی تقوای الهی را در جنب مال رعایت کند، از آلوده شدن به حرص، طمع، آز، بخل، خیانت، غل و غش در امان می ماند. و مال

و ثروت او وسیله پروازش به سوی کمال، و عامل رسیدنش به رضای حق می گردد.

صاحبان عقل و درایت در مدت عمر خود هدف و مقصدی جز لقای حضرت محبوب و رسیدن به خانه آخرت، برای بهره‌وری از نعمت های بی پایان الهی نداشتند و می دانستند این مقصود جز با معرفت و عمل قابل تحصیل نیست و مواظبت بر تحصیل معرفت و تداوم عمل راهی جز سلامت و صحت بدن ندارد و سلامت بدن بستگی به آب و نان و پوشاک و مسکن دارد، روی این حساب باید دنبال مال و ثروت رفتن، و مال و ثروت جز از طریق زحمت و کسب مشروع بدست نمی آید، بنابر این کسب مشروع لازم و بیکاری و سرپار دیگران بودن حرام است.

به این خاطر تجارت و کسب برای آنچنان مقصد بزرگی که عبارت از لقاء حق است، عین عبادت و محض بندگی است و برای تأمین آن منظور مقدس، رعایت تقوا در بدست آوردن مال از واجبات الهی و از احکام ربّانی است.

چون مال بدست آمد، در حقیقت نعمت خدا بدست آمده، این نعمت باید در جایی مصرف شود که صاحب نعمت به آن دستور داده؛ از جمله مراحل مصرف خوردن و آشامیدن برای تأمین سلامت بدن و صحت جسم و خوراندن بدیگران است.

چون صحت و سلامت بدن بدست آمد، و ثروت و مال در اختیار ماند، مسأله استطاعت و قوت و قدرت برای عبادت خدا بوسیله زیارت بیت و حجّ خانه بدست می آید و زمینه اجرای این فریضه بزرگ

الهی فراهم می شود. در این وقت است که صاحب ثروت و سلامت و دارنده مال و صحت باید بدون درنگ خود را آماده سفر حج کند و جزئی از اجزاء عامل لقاء حق را که انجام مناسک حج است تحقق دهد.

روایت زیر نشان دهنده واقعیاتی است که در سطور گذشته ملاحظه کردید:

عن ابی عبد الله - علیه السلام - فی قول الله - عزّ وجلّ - : و لله علی الناس حج البيت من استطاع الیه سبیلاً قال: هذا لمن کان عنده مال و له صحه. (1)

امام صادق - علیه السلام - در توضیح آیه ای که استطاعت برای حج را مطرح کرده، فرمود: استطاعت برای کسی حاصل است که صاحب مال باشد و دارای سلامت بدن.

-

1- بحار، ج 96، ص 108

چهل حدیث حج، ص: 19

حدیث 17 نیابت در حج

ادای واجبات الهی، و فرائض ربّانی؛ چنانکه از آیات و روایات استفاده می شود، راه حتمی و قطعی به سوی بهشت ابدی است.

علی - علیه السلام - در یکی از خطبه های نهج البلاغه می فرماید:

بر شما باد به فرائض، بر شما باد به فرائض، آنها را ادا کنید تا خداوند شما را به بهشت برساند.

راه نجات از سخط حق و عذاب قیامت، بندگی و طاعت است.

طاعت حق، زمینه ساز آزادی انسان از اسارت هوا و هوس و دور شدن انسان از شیطنیت و شیطان است.

قرآن مجید انبیا و اولیا را به بندگی و طاعت حق ستوده و از آنان به عنوان عباد صالح خداوند یاد نموده است.

چون برق بندگی و حرارت طاعت، بر عرصه گاه وجود انسان جرعه زند و گرمی بدهد، عشق به معبود در شبستان قلب جلوه بیشتر کند و مایه های فساد و افساد از خیمه حیات انسان رخت بریندد.

عبادت و طاعت، مایه ساز رحمت و رأفت در دل، و تقویت کننده

جان، عامل تزکیه نفس، علاج دردهای درون، مورث پاکی برون و نزدیک کننده انسان به مقام قرب و لقای حضرت محبوب است.

آرامش و امنیت باطن، از عبادت است. سلامت و عافیت وجود، از بندگی است. قوام خانه و خانواده، محصول طاعت خداست. پاکی و پاکیزگی جامعه در اخلاق و اعمال، میوه شیرین اجرای اوامر حضرت حق است.

عبادت و طاعت شیرینی حیات، عامل دفع دشمن، باعث تقویت بنیه فرد و اجتماع، روشنی حیات، چراغ راه، فروغ جان، و به حق و حقیقت قسم، بهترین لذت و کامجویی برای اهل حال است.

از مصادیق بارز عبادت و از شاخه های پرثمر شجره طوبیه طاعت، ادای مناسک حج و زیارت بیت الله و عبادت عاشقانه در مسجدالحرام و رفت و آمد در صفا و مروه و راز و نیاز با حق در صحرای عرفات و سجده جانانه در مشعرالحرام، و قربان کردن وجود در منای عشق دوست و طرد شیاطین جانی و انسی در رمی جمرات است.

آن را که استطاعت مالی و بدنی حاصل است، باید بار سفر جهت انجام این عبادت عظیم و طاعت کریم بر بندد و بدون دغدغه خاطر و با توکل به حق، پشت پا به ماسوا زده، به سوی معبود خود و معشوق قلب، و محبوب دل بشتابد.

آن را که استطاعت مالی عنایت شده، ولی محروم از استطاعت بدنی است و شوق لقای بیت و عبادت در خانه حق، او را همچون پروانه در شعله شمع می سوزاند، نباید غصه و غم محاصره اش کند و دل بخاطر محروم بودن از این سفر الهی در دریای اندوه غرقه سازد؛

زیرا خداوند مهربان برای برداشته شدن این تکلیف از دوش جانش و بهره مند شدن از این فیض بی نظیر، راه دیگری برایش معین فرموده و آن نایب گرفتن از جانب خود برای انجام مناسک ابراهیمی است.

البته باید در انتخاب نایب دقت بخرج داد و شخصی را برای انجام این عبادت بزرگ مأموریت داد که تا حدی از عهده شرایط ظاهری و باطنی حج برآید.

چون به مؤمن پیشنهاد نیابت از حج داده شد، از باب قضای حاجت برادر مؤمن باید پذیرفت که قبول حاجت مؤمن و قضای نیاز برادر دینی و حل مشکل بنده حق، از اعظم عبادات و وسیله قرب به خداوند است.

نایب باید بداند که نیابت از حج، برای او بهره عظیم و ثواب فوق العاده دارد و نیابت دهنده باید بداند که با تحمل مخارج سفر، نایب علاوه بر ادای تکلیف، دارای نصیب سنگین آخرتی است.

نیابت دهنده بخاطر نایب گرفتن و پذیرنده نیابت بخاطر تحمل رنج نیابت، اهل نجات و مورد عنایت و رحمت حضرت حقند.

روایت بسیار مهمی در مسأله ثواب نایب و آن که از جانب برادر مؤمنش به حج می رود وارد شده که در سطور زیر ملاحظه می کنید.

قال الصادق - علیه السلام - فی الرجل یحج عن آخر: له أجر و ثواب عشر حجج و یغفر له و لأبیه و لإبنته و لإبنته و لأخیه و لعمتّه و لخاله و لخالته، انّ الله واسع کریم. (1)

حضرت صادق - علیه السلام - در رابطه با مردی که از جانب دیگری

-

حج بجا می آورد فرمود:

برای او اجر الهی و ثواب ده حج است و خداوند پدر و پسر و دختر و برادر و عمه و خاله و دایی او را مورد مغفرت قرار می دهد، بحق که خداوند دارای رحمت واسعه و کرم بی نهایت است.

حدیث 18 فقط با مال حلال فريضه حج را ادا کنید

قرآن مجید و روایات، دستور اکید به کسب حلال و کار مشروع دارند. طلب مال حلال چنان که در آثار اسلامی آمده بر هر مسلمانی فريضه و واجب است.

کسب حلال و کار مشروع، نوعی عبادت و طاعت بلکه از بهترین و برترین رشته های عبادت است.

قرآن مجید دستور می دهد، ابتدا مال حلال و طیب تناول کنید، سپس به انجام عبادت و عمل صالح برخیزید. پروردگار عالم، معاش را وسیله آبادی معاد و کسب دنیا را زمینه بدست آوردن آخرت قرار داده، بهمین جهت آنان که دنبال مال حرام می روند آخرتی خراب، و معادی آمیخته با عذاب ابد دارند.

اسلام می گوید دنیای خود را کمك آخرت قرار دهید و کمك بودن دنیای انسان برای آخرت، در صورتی است که دنیای آدمی حلال و طیب و پاک و پاکیزه باشد.

جمله عرشی و ملکوتی دنیا مزرعه آخرت است از رسول الهی،

معروف و مشهور می باشد. آری آخرت آباد، ثمره دنیای حلال و معاد پاک میوه مال حلال و عمل صالح و اخلاق حسنه است.

مال حلال - به تعبیر قرآن مجید - فضل خدا، رزق طیب، رزق حلال، نعمت الهی و خیر خداوندی است.

تاجر صادق و کاسب مواظب و عامل متدین، بنابر روایات، در روز قیامت با صدیقین و شهدا محشور می گردد.

در آثار اسلامی آمده: آن که بدنبال حلال برود، بخاطر این که باری بر دوش مردم نباشد و بر اهل و عیال خود توسعه دهد و بر همسایگانش بوسیله آن مال مهر و رأفت ورزد، در قیامت به لقای حق رسد، بصورتی که چهره اش مانند ماه شب چهارده باشد!

بازارهایی که در آن کسب حلال صورت می گیرد، به تعبیر رسول اسلام سفره های خداوند مهربان است، هر کس در آن بازارها به کسب و کار مشغول شود، از آن سفره پاک بهره مند می شود.

کاسب و تاجری که دنبال مال حلال می دود به فرموده حضرت صادق - علیه السلام - همانند رزمنده در راه خداست.

برای بدست آوردن مال حلال، بدون تردید معرفت به فقه و مسائل حلال و حرام لازم است، به همین خاطر، اهل ایمان قبل از دست یازیدن به کسب، از محضر علمای ربّانی استفاده می کردند و با مسائل تجارت و حلال و حرام الهی آشنا می شدند.

اصبغ بن نباته می گوید: شنیدم امیرالمؤمنین - علیه السلام - بالای منبر می فرمود:

ای گروه تجار، ابتدا فقیه در مسائل کسب شوید، سپس به تجارت

اقدام کنید، ای مردم اول فقه سپس تجارت. بخدا قسم ربا در این امت مخفی تر از خزیدن مورچه بر سنگ صاف است. اموال خود را با صدقه حفظ کنید، تاجر فاجر است و فاجر در جهنم است مگر آن که مال حق بگیرد و مال حق بدهد.

خداوند مهربان در رحم مادر و در ایام شیر خوارگی روزی دهنده انسان بود، به ایامی که آدمی همراه با اهل و عیال نیاز بیشتری دارد، قطعاً حضرت حق عنایت و توجه فوق العاده تری متوجه انسان می نماید، بهمین جهت در روزگار بزرگی و زن و بچه داری با روزی حلال و رزق طیب از طریق کسب مشروع انسان را در چتر حمایت خود قرار داده، بدون شك عاقلانه نیست روزی خور حق از سایه عنایت و لطف او بیرون رود، و برای اندک مال دنیا که باید بگذارد و برود دست در دست شیاطین گذارد و زندگی خود و زن و بچه و گوشت و پوست و روح خود و اهل و عیالش را به مال حرام آلوده نماید، و از این طریق خود را مستحق عذاب ابد حق کند!

با مال حلال بدن را قوت دهید. قلب را نورانی کنید. روح را تصفیه نمایید. نفس را به عرصه گاه تزکیه و تربیت ببرید. زن و فرزند را از آلوده شدن حفظ کنید. زمینه عبادت با نشاط را فراهم آورید. خشنودی و رضای حق را جذب نمایید. از افتادن در دایره ظلم و ستم به مردم، از طریق غارت حق آنان، بپرهیزید. شهوات خود را با کسب حلال مهار کنید.

صولت و سطوت شیطان های درونی و برونی را بشکنید. به قافله پاکان و صالحان و صدیقان و شهیدان پیوندید. آبروی دنیا و آخرت خود را حفظ کنید. به جلب خشنودی انبیا و امامان برخیزید، که با مال

حرام، مالی که از کم فروشی، رشوه، غصب، ربا، دزدی، حيله، تقلب، ظلم، زور و دروغ، بدست آمده نه عبادتی صحیح و قبول است و نه کار خیری مورد پذیرش حق است.

در مسأله حج، که قسمتی از مال انسان باید خرج شود، دقت بیشتری به خرج دهید زیرا ورود مال حرام به قسمتی از برنامه های حج موجب بطلان حج و علّت محروم شدن از رحمت حق و باعث لعنت خدا و ملائکه بر حاجی است.

در وطن خود سعی کنید تمام مال خود را اگر مخلوط به حرام است با راهنمایی عالمی ربّانی پاک کنید و به حلال کردن قسمتی از مال برای خرج سفر بسنده نکنید که این عمل پسندیده نیست.

اگر تمام مال حرام باشد، باید به صاحبانش برگردد، در این صورت زمینه ای برای استطاعت باقی نمی ماند.

قبل از سفر حج اگر قدرت دارید به اقوام فقیر برسید. خمس مال را که واجب الهی و دستور قرآنی است بپردازید. از صدقه و انفاق کوتاهی نکنید و اگر از این مسائل عرشی در مکه و مدینه آگاه شدید، بدون مضایقه با عالم کاروان تماس گرفته و با جدیت به پاک شدن کلّ مال خود اقدام کنید تا مبادا خدای ناکرده به مناسک شما لطمه وارد آید و از فیوضات الهی و عنایات ربّانی محروم شوید و از سفر حج جز حمّالی و زحمت و رنج و مشقت و لعنت حق چیزی بجای نماند.

عن الباقر - علیه السلام - قال: من اصاب مالا من اربع لم يقبل منه في اربع: من اصاب مالا من غلول أو ربا أو خيانة أو سرقة، لم يقبل منه في زكاة ولا في صدقة ولا في حج ولا في عمره و قال ابو جعفر لا يقبل الله

عزوجل حجاً و لا عمره من مال حرام. (1)

حضرت باقر - علیه السلام - فرمود: آن که از چهار طریق مال و ثروت به دست آورد، چهار عمل از او پذیرفته نخواهد شد.

آن که از طریق غش در معامله و ربا و خیانت و سرقت کسب مال کند، زکات و صدقه و حج و عمره او در پیشگاه حق قبول نمی شود و نیز فرمود: خداوند حج و عمره ای که مخارجش از مال حرام تأمین شده نمی پذیرد.

1- امالی صدوق، ص 442

چهل حدیث حج، ص: 21

حدیث 19

اگر ایمان را به منزله يك ساختمان فرض کنیم، باید بگوییم این ساختمان از سه عنصر برپا شده، 1- اعتقاد به حق و قیامت 2- عمل صالح 3- اخلاق حسنه.

نقش اخلاق که مجموعه ای از حالات مثبت و واقعیات نفسی و باطنی پر منفعت است، در حفظ ایمان و عمل، نقشی بسیار مهم دارد.

ایمان و عمل با نیروی حیا، وقار، کرامت، شرافت، بردباری، حلم، جود، سخاوت، تواضع، خشوع، خشیت، خوف از حق، صبر، استقامت، تغافل، گذشت، صفا، مروت، وفا، تعهد، امین بودن، درستی، پاکدامنی، عفت، عصمت و شخصیت قابل حفظ و قابل تداوم تا لحظه آخر حیات است. اگر انسان آراسته به حقایق اخلاقی نباشد، برای بقا و دوام ایمان و عمل، بدون تردید جای نگرانی هست. بودند کسانی که از ایمان و عمل بطور حقیقت برخوردار بودند ولی در مسیر زندگی بخاطر آلوده بودن به کبر یا حسد، یا بخل و یا نداشتن صبر و استقامت، ایمان و عمل را از دست دادند، و خود را به عذاب ابدی دچار ساختند.

حوادث صدر اسلام، بخصوص پس از وفات پیامبر اسلام، نشانگر این حقیقت است که بسیاری از مسلمانان و مؤمنان بخاطر آراسته نبودن به حقایق اخلاقی در بستر هلاکت افتادند.

اگر بگوییم اخلاق حسنه، ضامنی معتبر، وثیقه ای محکم و دستگیره ای سخت برای دور ماندن ایمان و عمل از خطرات سهمگین و حوادث سنگین است سخنی بگزارف نگفته ایم.

مسأله اخلاق حسنه و نقش آن در رشد و تکامل و حفظ ایمان و عمل از خطر و خسارت به اندازه ای فوق العاده و قابل توجه است که بخشی عمده و بسیار مهم آیات و قرآن و روایات به آن اختصاص داده شده است.

خداوند مهربان پیامبر بزرگوار خود را در قرآن مجید به داشتن خلق عظیم ستوده است و این ستایش نشانگر اهمیت و ارزش اخلاق حسنه در حیات انسان است.

از رسول حق سؤال شد، بهترین سرمایه ای که از جانب حق به انسان عنایت شده چیست؟ فرمود: اخلاق نیکو.

توجه داشته باشیم که اخلاق نیکو مجموعه ای از اوصاف پاک و خصال حمیده و حالات عرشی و ملکوتی و برنامه های پر ارزش است که به تعدادی از آنها در سطور گذشته بعنوان حافظ ایمان و عمل اشاره شد.

رسول حق می فرمود: آنچه بیشتر باعث ورود مردم به بهشت می شود، تقوا و اخلاق حسنه است.

رسول حق، علّت برانگیخته شدن خود به پیامبری را اتمام مکارم

اخلاق اعلام می فرمود.

رسول حق می فرمود: سنگین ترین چیزی که در قیامت در نامه اعمال مردم به سنجش گذاشته می شود، اخلاق حسنه است.

همچنین می فرمود: صاحبان اخلاق حسنه طعمه آتش جهنم نمی شوند.

در مورد دیگر فرمود: نزدیک ترین شما در قیامت به من، صاحبان اخلاق پسندیده اند.

حضرت باقر - علیه السلام - نیز فرمود: کامل ترین شما از نظر ایمان، نیکو خُلق ترین شماست.

امام ششم - علیه السلام - چهار چیز را کمال ایمان و باعث مغفرت گناه شمرده اند: صدق، ادای امانت، حیا و خوش اخلاقی.

در این زمینه، به اندازه ای روایت وارد شده که انسان از دیدن آنهمه اثر، شگفت زده می شود. بیشتر روایات باب اخلاق، در جلد دوم کتاب شریف اصول کافی، جلد یازدهم وسائل الشیعه، جلد سوم محجه البیضاء و از ابتدا تا انتهای کتاب بسیار مهم جامع السعادات نراقی به ثبت رسیده است. دنبال کنندگان حقیقت می توانند به آن منابع بسیار مهم رجوع کنند.

از مسائل بسیار مهمی که در سفر حج، از طریق پیامبر و امامان معصوم سخت به آن توجه شده، مسأله اخلاق زائر خانه حق است. توجه اولیای دین به این مسأله به اندازه ای است که گاهی در روایات به زائر هشدار داده شده اگر فاقد اخلاق حسنه باشد و با همسفران خود معامله ای غیر از اخلاق حمیده و صفات پسندیده داشته باشد، خداوند مهربان، با همه عنایتی که به حاجی دارد به او توجه نخواهد کرد.

این سفر با برکت، جهت ریاضت و تمرین برای آراسته شدن به حسنات و دوری از سیئات است. سفر بسیار مهم و کلاس بسیار با ارزشی است که زائر بیت باید آن را با جان و دل غنیمت بشمارد.

وای بحال آن زائری که از وطن آلوده به سیئات اخلاقی به حج برود و بدون معالجه خویش از بدیها و آراسته شدن به حسنات به وطن بازگردد.

روایت بسیار مهمی در رابطه با اخلاق در سفر حج از حضرت باقر - علیه السلام - در معتبرترین کتابهای حدیث نقل شده که می آوریم:

عن ابی جعفر - علیه السلام - قال: ما یعبؤ بمن یؤم هذا البیت اذا لم یکن فیه ثلاث خصال: ورع یحجزه عن معاصی الله، و حلم یملك به غضبه و حسن الصحابه لمن صحبه. (1)

امام باقر - علیه السلام - فرمود: اعتنا نمی شود به کسی که قصد خانه حق کرده، در حالی که در او سه خصلت نیست: ورعی که او را از معاصی و گناهان بازدارد، حلمی که او را بر غضبش چیره سازد و رفتار خوش با کسانی که همسفر اویند.

-

1- بحار، ج 96، ص 121

چهل حدیث حج، ص: 22

حدیث 20 آداب معنوی حج

در زمینه آداب معنوی حج و اسرار باطنی مناسک عظیم این سفر، روایاتی بس مهم و احادیثی فوق العاده جالب از منابع وحی رسیده که توجه به مضامین آن جملات عرشی و ملکوتی، بر زائران خانه حق جدّاً واجب و لازم است تا این سفر را همراه با حالی الهی و باطنی صاف و خالص انجام دهند.

البته بخاطر این که اغلب زائران آشنایی به مفاهیم روایات ندارند، بر روحانی کاروان فرض اخلاقی است که این حقایق را در طی سخنرانی های خود به مهمانان خانه حق تعلیم دهد.

از جمله آن روایات، روایت مفصلی است که از وجود مبارك حضرت صادق - علیه السلام - نقل شده که بخاطر مفصل بودن آن تنها به ترجمه آن قناعت کرده، توضیح و تفسیرش را جهت زائران خانه محبوب به عهده عالمان عامل می گذاریم.

حضرت صادق - علیه السلام - می فرمایند:

زمانی که قصد بیت حق کردی، قبل از قدم گذاشتن در مسیر سفر، دل را از هر عامل مشغول کننده از دوست و از هر مانعی که باعث محرومیت تو از فیوضات الهی است جدا کن و این گوهر خزانه رحمت را از گرد و غبار مشغولیت ها و حجابها پاك گردان و تمام امورت را به خالق و آفریننده خود واگذار و در تمام حرکات

و سکناات خود بر حضرت محبوب تکیه کن، که در تمام صحنه هستی تکیه گاه قابل اعتمادی جز وجود مقدس او نیست.

در برابر قضا و حکم و قدر او صد در صد تسلیم باش و در این زمینه از اضطراب و هراس و دو دلی پرهیز کن که تسلیم بودن به قضا و قدر و حکم حضرت دوست از اخلاق انبیا و اولیای الهی است.

با دنیا و راحت و استراحت آن و مردم وداع کن. از هر حقّی که از دیگران بر عهده داری پاك شو. بر زاد و توشه و یاران و اصحاب و قدرت و قوت و جوانی و ثروت خود اعتماد مکن، بترس از این که این همه، در صف دشمنان قرار گیرند و برای تو بصورت وزر و وبال درآیند. آری کسی که ادعای رضای دوست کند و بر غیر او تکیه نماید، غیر او دشمن و وبال او گردند. این واقعیت است که ثابت شده تا بدانی قوّت و حيله ای جز حفظ و توفیق خدا نیست.

آماده شو، آمادگی کسی که امیدی به بازگشت از این مسافرت ندارد.

همنشینی با یاران سفر را به بهترین صورت تدارك کن و اوقات واجبات حق و روشهای رسول خدا را در تمام امور رعایت نما.

آنچه از ادب، تحمل مشکلات، صبر و شکر، مهربانی به دیگران، دست و دل بازی در خرج و ایشار زاد باید رعایت کنی رعایت کن.

با آب توبه خالص از گناهات غسل کن و ظاهر و باطن را شستشو بده، لباس صدق و صفا و خضوع و خشوع در بر کن و از آنچه تو را از یاد خدا باز می دارد، و از طاعت حضرت دوست به بدبختی حجاب و ممانعت می آورد مُحرَم شو.

بعنوان پاسخ صاف و خالص و پاکیزه به حضرت حق که تو را به حج دعوت فرموده، در حالی که به عروه الوثقیای او چنگ زده ای لبیک بگو.

با قلبت، همراه با ملائکه، به طواف عرش درآی چنانکه با وجودت، همراه با مسلمین، به طواف خانه درآمده ای.

در بین صفا و مروه برای فرار از هوای نفس و بیزاری از هر حول و قوه ای که برای خود فرض کرده ای، هروله کن.

در حال خروج از مکه برای ورود به منا از غفلت و لغزش، برای همیشه خارج شو و جز چیزی که برایت حلال است و غیر آن را مستحق نیستی آرزو مکن.

در عرفات که در پیشگاه حضرت مولایی، به تمام گناهان و خطاهایت اعتراف کن و عهدهت را نسبت به توحید وجود مبارک او، در سرزمین عرفات، تجدید کن.

در مشعر الحرام به حضرت تقرب جوی و در مدار تقوا و پرهیزکاری درآی و بوقت بالا رفتن از کوه رحمت، سفری روحی و معنوی به ملاء اعلی و ملکوت قدس بنما.

به وقت ذبح قربانی، گلوی هوا و هوس و طمع و آز را با چاقوی عبادت و بندگی قطع کن.

بهنگام رمی جمرات، شهوات و کم مایگی و پستی و کارهای مذموم را از خود بران.

با حلق رأس، عیوب ظاهر و باطن را از سرزمین وجودت قلع و قمع کن.

در ورود به حرم، وارد در امان خدا و حمایت او و پوشش و حفظ حضرت او شو.

با زیارت بیت عظمت و معرفت و سلطنت، صاحب بیت را در عرصه گاه وجودت تحقق بخش.

با استلام حجرالاسود به قسمت او نسبت بخود اعلام رضایت کن

و در برابر عزّتش سر خضوع و تواضع بر خاک گذار.

با طواف وداع از ماسوای او وداع کن.

بهنگام قرار گرفتن بر کوه صفا، باطن و روح خود را برای روز ملاقات با حق در صحرای محشر صفا ده.

صاحب مروت و جوانمردی باش و اوصاف اخلاقی خود را بوقت قرار گرفتن در مروه تصفیه کن.

بر عشق و محبت نسبت به حضرت حق و وفای به عهده؛ آن عهده که با حضرت او بستی که بنده واقعی او باشی استقامت ورز.

این حقیقت را عارف باش که حج از جانب حق واجب نشده و از میان تمام عبادات اختصاص به او پیدا نکرده و در شرع نبوی مناسکش بدین صورت ترتیب نیافته مگر برای ظهور آمادگی تو برای بندگی و طاعت واقعی و اشاره به مرگ و قبر و زنده شدن و صحنه عظیم قیامت.

او می خواهد که بنده اش با مشاهده صحنه های حج، به دخول اهل بهشت به بهشت و ورود اهل جهنم به جهنم معرفت پیدا کند. (1)

-

1- بحار، ج 96، ص 124

چهل حدیث حج، ص: 23

حدیث 21 آداب ورود به حرم

حرم یادآور عنایت و رحمت خاص حق به این قطعه از زمین است؛ قطعه ای که خداوند عزیز با دعوت بندگان به آن ناحیه، آنان را در کلاس عبادت و طاعت و بندگی و عبودیت به عرصه گاه آزمایش و امتحان و بلا و ابتلا می آورد؛

امتحان و آزمایشی که هر کس از آن سرفراز و قبول درآید، محبوب حق می شود و در دریای رحمت و غفران و رأفت و لطف غرق می گردد.

حرم یادآور نزول فرشتگان و رفت و آمد ملائکه برای طواف بیت و عبادت حق و همسویی با اولیای الهی و بندگان خاصّ پروردگار است.

حرم در عالم معنا قبه ای از نور، انعکاسی از ملکوت، تاجی بر فرق زمین، خاستگاه رحمت، ایستگاه مغفرت و خزانة عنایت دوست، منبع رحمت معشوق برای عاشق مست، عارف حیران و سالک مجذوب و مجذوب سالک است.

حرم یادآور کرامت و فضیلت، اصالت و شرافت، حق و حقیقت،

صدق و سلامت، بی پیرایگی و امانت و درستی و امنیت است.

حرم یادآور اخلاص و پاکی، رفع آلودگی و ناپاکی، عبادت و بندگی، خضوع و شرمندگی و نورانیت و یکرنگی است.

حرم یادآور چهره پاکان، مناجات نیکان، عبادت بندگان، آزادی بردگان، شفای درد دردمندان، امید امیدواران، راز و نیاز مستمندان، شکر شاکران، ذکر ذاکران، و ضجه و ناله صالحان است.

حرم یادآور طاعت انبیا، اخلاص اصفیا، اشک دیده اولیا، صفای اهل حال، وفای وفاداران و بصیرت دانایان است.

حرم یادآور هاجر، رضا و تسلیم اسماعیل، زحمت و کوشش و نیت نورانی ابراهیم و طلوع وحی و ظهور قرآن است.

حرم جایگاهی نیست که هر کس را بدون شرایط راه دهند. هر زائری را بپذیرند و هر مسافری را راه نمایند. اینجا مهبط رحمت، موقف توبه، مکان استغفار، مرکز عبادت، نقطه پایان هجران، جای تماشای رخسار محبوب، محل سرگذاری به حریم معشوق و مشرق خورشید اسماء و صفات حضرت دوست است.

حرم را برای ورود به حریمش مقدماتی لازم است؛ از جمله رفتن به میقات، تلبیه، مُحرم شدن، و نفس را از بیست و چهار چیز بازداشتن، و در عرصه گاه حال و اخلاص و راز و نیاز آمدن و با پای دل به سوی محبوب به حرکت آمدن، آنگاه به حریم حرم مولا وارد شدن!

شرایط ورود به حرم از زبان پاك وجود مبارك حضرت رضا -ع-:

فاذا بلغت الحرم فاغتسل قبل ان تدخل مکه و امش هنيهة و عليك السکينة و الوقار، فاذا دخلت مکه و نظرت الى البيت فقل: الحمد لله

الذى عظمك و شرفك و کرمک و جعلک مثابة للناس و اماناً و هدى للعالمين، ثم ادخل المسجد حافياً و عليك السکينة و الوقار و ان كنت مع قوم تحفظ عليهم رحالهم حتى يطوفوا و يسعوا كنت أعظمهم ثواباً و ادخل المسجد من باب بنى شيبه فقل: بسم الله و بالله و على مله رسول الله، ثم تطوف بالبيت تبدأ برکن الحجر الاسود و قل: امانتى اديتها و ميثاقى تعاهدته لتشهد لى بالمؤافاه، آمنت بالله عز وجل و کفرت بالجبت و الطاغوت و اللات و العزى و الهبل و الاصنام و عباده الأوثان و الشيطان و کل ند يعبد من دون الله جل سبحانه عما يقولون علواً كبيراً. (1)

هنگامی که به عرصه گاه حرم رسیدی، قبل از ورود به مکه غسل کن. با دلی شاد به حرکت خود ادامه بده. وقار و آرامش را رعایت نما. چون داخل مکه شدی و به بیت نظر انداختی بگو: سپاس خدای را که تو را عظمت و شرافت و کرامت داد و مرکز اجتماع بندگان و هدایت عالمیان قرار داد.

سپس با رعایت وقار و آرامش، با پای برهنه وارد مسجد شو. اگر همراهانی داشتی وسایل آنان را نگهدار تا طواف و سعی بجای آرند که بزرگترین ثواب نصیب تو شود.

از در بنی شيبه وارد مسجد شو و بگو: بسم الله و بالله و على مله رسول الله - صلى الله عليه و آله - سپس به طواف خانه برخیز و برنامه طواف را از مقابل حجرالاسود شروع کن و بگو:

امانتی است که آن را ادا می کنم و پیمانی است که نسبت به آن، با حضرت تو تعهد می کنم تا شاهد وفای آن از جانب من باشی.

-

1- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 59

چهل حدیث حج، ص: 24

ایمان به خدای - عزوجل - آوردن و نسبت به جبت و طاغوت و لات و عزى و هبل و همه بت ها، و بندگی معبودهای باطل و شیطان و هر چه به غیر خدا عبادت می شود کافر شدم. بزرگ است حضرت سبحان و پاک و منزّه است از آنچه بی خبران و بی خردان در حق او می گویند.

حدیث 22 طواف بیت

حضرت رضا - علیه السلام - در رابطه با طواف جامع و کامل می فرماید:

هفت مرتبه خانه حق را طواف کن و فاصله بین قدمهایت را کوتاه بگیر. در هر طوافی حجر را استلام کن و اگر برای امتحان نداشت با دست خود به آن اشاره کن. کنار در بیت بگو: گدای زمین گیر در خانه ات قرار دارد. بنده تو فانی و فقیر و محتاج به عرصه گاه حرمت بار انداخته است، بهشت خود را به او عطا کن. چون مقابل ناودان رسیدی بگو: الهی مرا از آتش دوزخ آزاد کن و شرّ فاسقان عرب و عجم را از من دور نما و مرا در سایه عرش خود قرار ده و شرّ هر صاحب شری؛ از فسقه جن و انس را از من بگردان و در طواف خود بگو: بار خدایا! از تو می خواهم به آن اسمی که از برکت آن بر آب می روند، چنانکه بر زمین حرکت می کنند و به اسم مخزون و مکنون نزد تو و به اسم اعظم آن؛ اسم اعظمی که وقتی به آن خوانده شوی اجابت کنی و وقتی از تو بخواهند عطا فرمایی، تو را به همه این اسماء قسم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا مورد مغفرت

و رحمت قرار دهی و عمل مرا قبول کنی به نحوی که از ابراهیم خلیل خود و موسی کلیم خود و عیسی روح خود و محمد حبیب خود قبول کردی.

چون به رکن یمانی رسیدی آن را استلام کن. در رکن یمانی دری از درهای بهشت است که از روز باز شدن بسته نشده، از برابر رکن یمانی به زاویه مسجد اشاره کن و بگو: ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الآخره حسنه و قنا عذاب النار.

چون به طواف هفتم رسیدی کنار مستحار توقف کن و پرده کعبه را بگیر و زیاد دعا کن و نزد حضرتش اصرار ورز و حوائج دنیا و آخرت خود را بخواه که حضرت حق قریب و مجیب است. (1)

-

حدیث 23 ثواب طواف

طواف؛ یعنی قرار گرفتن در مدار حق و حقیقت، قدم برداشتن در صراط مستقیم، حرکت در مسیر عشق و محبت، افتادن در وادی اخلاص و تسلیم، توجه به محبوب، و اتصال به عنایت معشوق، فراهم آوردن لقاء یار و دست بیعت دادن به دست دوست، زمینه سازی برای جلب مغفرت و رحمت حق و پاک شدن از آلودگیها و صیقل روح و پاکسازی جان و تحصیل رضای صاحب بیت و البته زحمت و کوشش برای بدست آوردن اینهمه مایه معنوی دارای اجر عظیم و ثواب فوق العاده است.

روایت زیر گوشه ای از عظمت این معنا را نشان می دهد:

عن اسحاق بن عمار قال: قال ابو عبد الله - عليه السلام -: يا اسحاق من طاف بهذا البيت طوافاً واحداً، كتب الله له ألف حسنة و محاه عنه ألف سيئه و رفع له ألف درجة و غرس له ألف شجرة في الجنة و كتب له ثواب عتق ألف نسمة حتى اذا صار الى الملتزم فتح الله له ثمانية أبواب الجنة يقال له: ادخل من أيها شئت، قال: فقلت: جعلت فداك هذا كله لمن

طاف؟ قال: نعم أفلا أخبرك بما هو أفضل من هذا؟ قال: فقلت: بلى، قال: من قضى لأخيه المؤمن حاجة كتب الله له طوافاً و طوافاً حتى بلغ عشرة. (1)

از اسحاق بن عمار روایت شده که حضرت صادق فرمود: ای اسحاق کسی که يك بار خانه خدا را طواف کند، خداوند برای او هزار حسنه ثبت می کند، هزار سیئه محو می نماید، برایش هزار درجه قرار می دهد، هزار درخت در بهشت می کارد و ثواب آزاد کردن هزار بنده به او مرحمت می فرماید، چون به ملتزم برسد هشت در بهشت به روی او باز می شود و به او می گویند: از هر دری خواستی وارد شو. اسحاق می گوید به حضرت عرضه داشتم این همه برای کسی است که خانه را طواف کند؟ فرمود: آری، آیا به ثوابی عظیم تر از این تو را خبر ندهم؟ گفتم: آری خبر دهید. فرمود: هر کس حاجتی از برادر مؤمنش برآورده کند به اندازه ده طواف به او ثواب می دهند!

راستی قضای حاجت برادر دینی دارای چه ثواب عظیمی است و بهره و نصیب انسان از این عمل چه اندازه زیاد است! ای کاش تمام مردم مؤمن به این امر مهم اقدام می کردند که قدم گذاشتن در این وادی به تمام مشکلات مردم خاتمه می دهد و دنیای امت را تبدیل به مدینه فاضله و نمونه ای از بهشت آخرت می کند.

1- بحار، ج 96، ص 203

چهل حدیث حج، ص: 26

حدیث 24

مسأله با عظمت حج که حاوی بسیاری از واقعیات است از اعظم مسائل الهی و از مهم ترین برنامه های عالی مکتب انسان ساز اسلام است.

مسلمانان اگر به حقایق پر قیمت این عمل عبادی اسلام توجه کنند و برنامه های این سفر آسمانی را چنان که شایسته است انجام دهند، به رفع بسیاری از مشکلات دنیایی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و آخرتی خود موفق خواهند شد.

معنویت کعبه و آنچه مربوط به آن است، دور نمایی از عظمت و جلال و جبروت صاحب آفرینش و خالق هستی است. مسلمانان اگر شرایط واقعی حج را در اعمال خود تحقق دهند، به عظمتی ما فوق تمام عظمت ها و جلالی ما فوق تمام جلالت ها می رسند.

در مناسک حج، تمام عوامل تکامل انسان قرار داده شده و حاجی باید با انجام مناسک، تمام خلأهای فکری و روحی و اخلاقی و بخصوص ایمانی خود را جبران نماید و اگر بدینصورت در اتصال به اعمال حج استفاده ننماید، حج بجا نیآورده و اعمالی هماهنگ با واقعیات الهی از او بروز و ظهور نکرده است. کعبه قبله دلها و ارواح و افکار پاکان و نشانه ای برای جهت دادن تمام موجودیت انسان به

سوی حضرت محبوب است.

کعبه محوری است که باید انسان با گردش به دور آن محور، از تمام رذائل بیرون آمده و به تمام حسنات آراسته گردد.

کعبه خانه عبادت و بندگی و مرکز عشق و عاشقی و جایگاه پاکان و نیکان و مرکز بخاک افتادن صالحان و صدیقان به پیشگاه حضرت حق است.

کعبه و حجر اسماعیل و مسجدالحرام جایگاه با عظمتی است که انبیای بزرگ الهی و امامان بزرگوار، به آن روی عشق داشته و شبهای عمر خود را تا صبح در آن مکان مقدس با کمال خضوع و خشوع به عبادت گذرانند.

کعبه قلب معنویت و مرکز عبودیت و جایگاه خلوص و محل خضوع و خشوع است و دلی که از این اوصاف عالی رنگ ندارد، در آن حریم مبارك راه ندارد. بدون نفس تزکیه شده و قلب آراسته به حقایق و اوصاف الهی، نمی توان راهی به آن وادی مقدس و حرم با عظمت پیدا کرد که راه واقعی به سوی حضرت معبود فقط از طریق دل پاک و روح صاف و نفس آراسته به حسنات است.

تا از خودیّ های شیطانی بیخود نگردی، تا از شرارت های نفس پاک نشوی، تا از چاه تاریک رذائل بیرون نیایی، تا خودیت الهی خود را باز نیایی، تا خویشتن را از بیگانگان و دشمنان بی نیاز نسازی به حریم حرم راه پیدا نکنی.

حجر اسماعیل که در دامن بیت و داخل مطاف است، محل زندگی هاجر، آن انسان والا و کم نظیر و جایگاه زندگی اسماعیل آن نمونه

اعلای انسانیت و اقامه کننده نماز و اداکننده زکات و وفادار به پیمان و آن شخصیتی است که خداوند عزیز در قرآن مجید او را صادق الوعد ستوده و نسبت به او اعلام رضایت فرموده است؛ آن بزرگ پیامبری که زن و فرزند را به نماز و عبادت خدا دعوت می کرد و در کنار بیت زندگی را به عبادت و مناجات و خدمت به مردم منطقه و تربیت عباد حق می گذراند.

حجر اسماعیل، بنابر مشهور، مدفن عده ای از انبیا و سفرای حق و محل دفن هاجر و اسماعیل است.

امامان شیعه در آن محل به عبادت و مناجات با قاضی الحاجات می پرداختند و به دعا و راز و نیاز در آن مکان شریف اصرار داشتند. روایت زیر گوشه ای از این حقیقت را بازگو می کند:

عن علی بن مزید بیاع السابری قال: رأیت أبا عبد الله - علیه السلام - فی الحجر تحت المیزاب مقبلاً بوجهه علی البيت باسطاً یدیه و هو یقول:

اللّهُمَّ ارحم ضعفی و قلّه حیلّتی، اللّهُمَّ أنزل علیّ کفلین من رحمتک و ادُرّ علیّ من رزقک الواسع و ادرأ عَنّی شرّ فسقه الجنّ و الانس و شرّ فسقه العرب و العجم، اللّهُمَّ أوسع علیّ من الرّزق و لا تقتر علیّ، اللّهُمَّ ارحمنی و لا تعدّبنی أرض عنی و لا تسخط علیّ، انّک سمیع الدعاء، قریب مجیب. (1)

علی بن مزید می گوید: حضرت صادق - علیه السلام - را در حجر اسماعیل زیر ناودان دیدم که متوجه بیت بود و دو دست به دعا برداشته به محضر حق عرضه می داشت: الهی به ناتوانیم و اندک

-

1- بحار، ج 96، ص 199

چهل حدیث حج، ص: 27

چاره ام رحم کن. الهی رحمت دنیا و آخرت را بر من نازل فرما و از روزی وسعت بر من زیاد گردان، و شرّ فاسقان جن و انس را و فاسقان عرب و عجم را از من دور کن. خدایا روزیم را وسعت ده و بر من تنگ مگیر. الهی به من رحمت آور و مرا عذاب مکن. از من راضی شو و بر من غضب منما. به حقیقت که شنونده دعایی و نزدیکی و اجابت کننده خواسته بندگان.

حدیث 25 نماز طواف

نماز، اساسی ترین رشته الفت و عالی ترین عامل محبت بین بندگان و حضرت حق است.

نماز، نور دل، صفای قلب، روشنی جان، سلامت روان و فروغ هستی و ذات عباد صالح خداست.

نماز، واسطه محکمی است که تمام هستی انسان را به ملکوت وجود پیوند می دهد و همانند آن، برنامه ای را برای ربط دادن آدمی به حق و حقیقت نمی توان یافت.

نماز، پناه بی پناهان، سنگر مجاهدان، گلستان روح افزای عاشقان، چراغ سحر مشتاقان، نور وجود عارفان، آرامش دل بینایان و سیر کمالی آگاهان است.

نماز، زنده کننده جان، ظهور دهنده حیات جاودان، راز و نیاز دردمندان، روشنی راه رهروان، نور دیده بیداران، سرمایه مستمندان، دوی درد سالکان، نوای دل بی دلان، دلیل گمراهان، امید امیدواران، سرّ حقیقی سحر خیزان، سوز دل سوختگان، حرارت روح افسردگان، مایه

بقای جان، و دستگیره نجات انسان از تمام مهالك است.

نماز، برتر از همه عبادات، جامع تمام کمالات، منعکس کننده کلّ واقعیات، منبع برکات و کلید قفل تمام مشکلات است.

نماز، خمیر مایه حیات، تزکیه کننده صفات، علاج زشت ترین عادات، بوجود آورنده حسنات، محو کننده سیئات، باعث کرامات، منبع فیض و افادات، نگهدارنده انسان از آفات و حقیقت روح اهل مناجات است.

نماز، عشق سالکین، عبادتی آتشین، کاری بی قرین، بهترین معین، خورشید اهل زمین، مونس اصحاب دین، امنیت خاطر غمین و رحمت واسعه حضرت ارحم الراحمین است.

نماز، حقیقتی روحانی، دستور واجب حضرت سبحانی، نفخه رحمانی، جان انسانی، و نور یزدانی است.

نماز، هویت ایمان، حقیقت جهان، طریقت جان، قدرت انسان و مایه بهشت و رضوان است.

نماز، چشمه زمزم روح، ساغر معنوی صبح، فتح الفتوح، توبه نصوح، حضرت حق را ممدوح، اجمال قرآن را مشروح و در طوفان حوادث و آفات کشتی نوح است.

بدون نماز خود را اهل حق و حقیقت مدان و رسیدن فیض خاص الهی را توقع مدار.

اکسیر وجود منهای نماز بی سود است. بی خیران از نماز، بی خردانند و فراریان از این مقام گرفتار دام شیطانند.

ثروتمندان بی نماز فقیرند و تهیدستان با نماز از همه

ثروتمندترند.

برای انجام نماز، مکانی، در همه زمین، برتر و بالاتر از مسجدالحرام نیست و در محدوده مسجدالحرام جایی افضل و اعلی از مقام ابراهیم نمی باشد؛ مقامی که دو رکعت نماز طواف، که از نمازهای واجب است، پس از اتمام طواف باید در آنجا انجام بگیرد.

ثواب هر نمازی بخصوص نماز طواف در مسجدالحرام ثوابی عظیم است.

در این زمینه روایت زیر نشاندهنده عظمت این حقیقت است:

عن الرضا عن آبائه، عن الباقر - عليهم السلام - قال: صلاة في المسجد الحرام أفضل من مائة ألف صلاة في غيره من المساجد. (1)

حضرت رضا از پدرانش از حضرت باقر - علیه السلام - روایت می کند که: يك نماز در مسجدالحرام بالاتر از صد هزار نماز در مساجد دیگر است!

-

1- ثواب الاعمال، ص 28

چهل حدیث حج، ص: 28

حدیث 26 سعی صفا و مروه

زائر با ورود به حریم حرم و با قدم گذاردن به مسجدالحرام و دیدن کعبه و مقام و رکن و مستجار و حجرالاسود، و صفا و مروه - که در قرآن مجید می فرماید از شعائر خداست (1) - باید با چشم دل نظری به ابراهیم و اسماعیل و هاجر با کرامت بیندازد که این بزرگواران در چه مقامی از عبادت و بندگی و اخلاص و تسلیم قرار داشتند و چگونه و با چه کیفیت از اخلاق حسنه و عمل صالح برخوردار بودند.

ملکوت اعمال و اخلاق این بندگان خاص حق بصورت کعبه و مسجدالحرام و صفا و مروه و مقام و مناسک مربوط به این مکانها درآمد.

هاجر جهت سیراب کردن اسماعیل، برای رضا و خوشنودی حق هفت مرتبه صفا و مروه را سعی نمود تا لطف خدا بصورت چشمه زمزم جهت ادامه حیات این مادر و فرزند تجلی کرد. و این معنا بصورت سعی صفا و مروه سنت الهی شد و بر تمام حاجیان انجام این

-

چهل حدیث حج، ص: 29

سنت واجب و فرض گشت.

حاجیان برای سیراب کردن قلب از ایمان و عقل از معرفت و نفس از حسنات و اعضای رئیسه بدن از اعمال صالحه، باید به سعی صفا و مروه برخیزند و سعی خود را فرار از شیطان و روی آوردن به حق قرار دهند.

در ادای سعی باید سعی زائر این باشد که این حرکت در صفا و مروه را بمنزله تردد در حریم خانه مالک الملوك قرار دهد و نسبت به حضرت او امید عطا و بخشش داشته باشد.

ای عزیز، در حال سعی صفا و مروه، دامن همت به کمر زن، دست طلب بگشای و با هر تعب و زحمتی است، حالات خود را در همان مدت اندک اصلاح کن و شرایط زائر حقیقی را تحصیل نما و از این معجون الهی که با کشف تام محمدی و ابراهیمی برای درمان تمام دردها و نقص های نفوس فراهم آمده استفاده کن و خود را، تا مجال است، از این منزلگاه ظلمت و حسرت و ندامت و چاه عمیق دوری از ساحت مقدس ربوبیت جلّ و علا کوچ ده و خلاص کن و خویشتن را به معراج وصال و قرب و کمال برسان.

لباس گناه و معصیت در این رفت و آمد از وجود خود بدر آر و به لباس پاکی و تقوا آراسته شو و غبار و خاک شیطنیت بهنگام هروله کردن، از باطن بریز و لجن هوا و رذائل اخلاقی از درون پاک کن و با آب عشق دوست ظاهر و باطن بشوی و با دست اخلاص در تسلیم را بکوب و سعی کن جز سر باختن در راه محبوب هوسی در دل نماند.

در این رفت و آمد، اگر آلودگی کبر، حرص، بخل، دو رویی، کینه،

تعصب، خشم و غضب، ریا و خودنمایی و غرور و خود بزرگ بینی علاج نشود، فلسفه سعی صفا و مروه تحقق پیدا نکرده است. روایت زیر نشانگر حکمت شگفت انگیز سعی است:

قال ابو عبد الله - عليه السلام - : ما لله عزّ وجلّ منسك أحبّ الى الله تبارك و تعالی من موضع السعی و ذلك أنّه يذلّ فيه كلّ جبار عنيد. (1)

برای خداوند در میان مسائل مناسک، مسأله ای محبوبتر از موضع سعی نیست و این بخاطر این است که هر جبار معاندی در آن محل به ذلت می افتد.

-

1- بحار، ج 96، ص 234

چهل حدیث حج، ص: 30

حدیث 27 نماز در مسجدالحرام

انسان برای ورود به عرصه گاه معنوی نماز و دست یافتن به حقیقت این عبادت، ناچار است مراحل و منازل را طی کند.

در مرحله اول باید نسبت به لباس و مکان و آب وضو و غسل و خاک تیمم از حق و حقوق تمام مردم و بیت المال مسلمین پاک شود.

اگر ذره ای از اجزاء لباس یا قسمتی از مکان و محل این عبادت، یا قطره ای از آب وضو و غسل، یا مقداری از خاک تیمم غصبی یا حرام باشد، با آن لباس و در آن مکان و با آن آب و خاک بهیچ عنوان نمی تواند به بارگاه قدس برسد و به میهمانی حضرت محبوب مشرف گردد.

نماز با لباس حرام و با آب و خاک غیر مباح و با مکان غیر شرعی نماز نیست، هر چند مکلف برای بجا آوردن آن خود را به انواع مشقتها و زحمات و رنج ها دچار کند.

مگر امکان دارد کسی با آلودگی به مال حرام یا قرار گرفتن در مقام حرام، یا با اتصال به غسل و وضو و تیممی که آب و خاکش از راه حرام است، به بارگاه عزت آن عزیز راه یابد.

نماز مقام پاکان و نیکان است. نماز جایگاه بینایان و دانایان است. نماز طریق عاشقان و عارفان است.

عارف عاشق محال است در مسائل نماز و سایر برنامه ها از دستور معشوق سرپیچی کند.

مگر برای مؤمن امکان دارد با آب غصبی یا خاک حرام غسل یا وضو یا تیمم بسازد، آن وضو و غسل و تیمم مگر طهارت خدا خواسته را تحقق می دهد؟!!

ای عزیز، به قدر میسور و مقدار مقدور این وقت مناجات را غنیمت شمار و به آداب قلبی و قلبی آن قیام کن و به قلب خود بفهمان که مایه حیات ابدی و سرچشمه فضایل نفسانی و رأس المال کرامات غیر متناهی به مراد و مؤانست با حق است، بخصوص بتوسط نماز که معجون روحانی ساخته شده با دست جمال و جلال حق است، و از جمیع عبادات جامع تر و کامل تر است، پس اوقات و شرایط آن را حتی الامکان محافظت کن.

اشتغالات قلبی را در اوقات نماز کم و بلکه قطع کن. به کتب روایت مراجعه نما و در ضمن توجه به احادیث، در احوال معصومین تدبّر کن و در حالات آن بزرگواران تأمل نما، شاید تنبّهی حاصل آید و بتوان به قلب مهجور فهماند که اوقات نماز، اوقات حضور در بارگاه قدس حضرت ذوالجلال است. اوقاتی است که حق تعالی، که مالک الملوك و عظیم مطلق است، بنده ضعیف ناچیز را به مناجات خود دعوت فرموده و بدار الکرامت خود اذن دخول داده تا فوز به سعادت های ابدی و سرور و بهجت های دائمی پیدا کند.

از دخول وقت نماز به مقدار معرفت خود، بهجت و سرور داشته و اگر قلب استشعار عظمت و خطر مقام کند به مقدار فهم عظمت، خوف و خشیت حاصل می شود و چون قلوب اولیا مختلف و حالات آنها متفاوت است، به حسب تجلیات لطیفه و قهریه و استشعار عظمت و رحمت و جمال آنها را به سرور و بهجت وادار کند و أرحنا یا بلال گویند و گاهی تجلیات به عظمت و قهر و سلطنت آنها را از خود بیخود کند و رعشه و رعه به آنها دست دهد.

بالجمله، ای زائر آداب قلبیه اوقات آن است که خود را مهیا کنی برای ورود به حضور مالک دنیا و آخرت و مخاطبه و مکالمه با حضرت حق - جلّ و علا - پس با نظری دقیق، توجه به ضعف و بیچارگی و ذلت و بینوایی خود، و عظمت و بزرگی و جلال و کبریایی ذات مقدس او بنما که انبیای مرسلین و ملائکه مقربین در بارگاه بزرگیش، از خود بیخود شوند و اعتراف به عجز و مسکنت و ذلت کنند و چون این نظر را نمودی و به دل فهماندی، آن دل استشعار خوف کند و خود و عبادات خود را ناچیز شمارد.

از طریق دیگر، با نظری عمیق توجه به سعه رحمت و کمال عطوفت و احاطه رحمانیت آن ذات مقدس کن که بنده ضعیفی را به بارگاه قدس خود، با همه آلودگی و بیچارگی که دارد، بار داده و او را با همه تشریفات فرو فرستادن فرشتگان و نازل نمودن کتابهای آسمانی و فرستادن انبیای مرسلین، دعوت به محفل انس خود فرموده، بدون آن که سابقه استعدادی از برای بنده بیچاره باشد و یا در این دعوت و حضور برای حضرتش یا ملائکه الله یا انبیا سودی تصور شود.

پس با قدم خوف و رجاء، رغبت و رهبت خود را مهبای حضور کن که عمده آن آن است که با قلب خجل و دل پر از خوف و با حال انکسار و ذلت و ضعف و بیچارگی وارد محضر شوی و خود را بهیچ وجه لایق محضر ندانی و لایق عبادات و عبودیت نشماری و اذن در عبادت را فقط از شمول رحمت و عمیم لطف حضرت محبوب بدانی، که اگر ذلت خود را نصب عین کردی و به جان و دل برای ذات مقدس حق تواضع نمودی و خود و عبودیت خود را ناچیز و بی ارزش دانستی حق تعالی با تو لطف کند و تو را رفعت دهد و به کرامات خود بیاراید.

اگر بگویند نماز باب رحمت، بارگاه قدس، میقات عاشقان، معراج مؤمنان، عشق عارفان، راه دانایان، صراط بینایان، جان والهان، وسیله قرب جانان، و درمان دردهاست، چیزی به گزاف نگفته اند.

معاویه بن وهب می گوید: از حضرت صادق - علیه السلام - پرسیدم: برترین چیز که وسیله قرب عباد به حق و محبوبترین عمل نزد خداوند است چیست؟ فرمود: پس از شناخت حق، چیزی را محبوبتر از نماز نمی شناسم. (1)

ابوبصیر از حضرت صادق - علیه السلام - نقل می کند: يك نماز واجب از بیست حج بالاتر است و يك حج بهتر است از خانه ای که پر از طلا باشد و همه آن در صدقه مصرف شود. (2)

یونس بن یعقوب گوید: شنیدم حضرت صادق - علیه السلام - فرمود: يك حج از دنیا و آنچه در آن است بالاتر است و يك نماز واجب از هزار حج

-

1- فروع کافی، ج 1، ص 37

2- وسائل، ج 3، ص 26

چهل حدیث حج، ص: 31

بالاتر است. (1)

با توجه به این اوصاف، بر زائر بیت لازم است؛ اولاً تمام نمازهای واجب خود را در حرم اقامه کند، و آن نمازها را - چنانکه سفارش بزرگان دین است - با جماعت بخواند که روی گرداندن از جماعت آنهم در کشوری که انسان را مورد تهمت

قرار می دهند، و بوقت اقامه نماز با فیلم برداری، رفت و آمدها را کنترل می کنند، از شأن مؤمن دور، و باعث وهن شیعه و بدبینی دیگر مسلمانان به فرقه ناجی و علت رنجش حضرت ولی عصر - علیه السلام - است.

چه مکانی برای نماز بالاتر از مسجدالحرام و چه حریمی از حضرت محبوب برتر و چه جماعتی از نظر جمعیت، به کثرت جمعیت مسجدالحرام بوقت نمازهای واجب است؟

ما در آنجا مأمور به اقتدای به نماز هستیم، این مأموریتی است که امامان بزرگوار، بعهدہ ما گذاشته و ثواب عظیمی برای آن ذکر کرده اند.

علاوه بر نمازهای واجب و ادای مناسک لازم سعی کنید تا می توانید در آن مکان شریف نماز قضا و نمازهای نافله و مستحبی بخوانید و مدّت کوتاهی که خداوند مهربان در این سفر بعهدہ شما گذاشته ضایع نکنید.

از نماز شب در آن حرم مبارک غفلت نورزید و لحظه ای دست از مناجات و راز و نیاز با حضرت بی نیاز بر ندارید.

به ارزش نماز در مسجدالحرام که در روایت زیر بازگو شده دقت فرمایید:

-

1- وسائل، ج 3، ص 27

چهل حدیث حج، ص: 32

عن معاویه بن عمار قال: قال أبو عبد الله لابن أبي يعفور: أكثر الصلاة في مسجد رسول الله - صلى الله عليه و آله - فان رسول الله - صلى الله عليه و آله - قال: صلاة في مسجدی هذا، كألف صلاة في مسجد غیره الا المسجد الحرام، فان صلاة في مسجدالحرام تعدل ألف صلاة في مسجدی. (1)

معاویه بن عمار گوید: حضرت صادق - علیه السلام - به ابن ابی یعفور فرمود: در مسجد رسول خدا زیاد نماز بخوان، که پیامبر خدا فرمود: نماز در این مسجد برابر هزار نماز است مگر مسجدالحرام که نماز در مسجدالحرام برابر هزار نماز در مسجد من است.

-

1- کامل الزیارات، ص 21

چهل حدیث حج، ص: 33

حدیث 28 عرفات

چون عمره تمتع با تمام شرایط ظاهری و معنوی به پایان رسد، زائر خانه آماده رفتن به عرفات می شود.

قبل از رفتن به عرفات، مستحب است زائر غسل کند و به مسجدالحرام رفته در پیشگاه محبوب، نزدیک مقام ابراهیم به احرام حج تمتع محرم شود و برای وقوف به عرفات، از ابتدای ظهر نهم تا غروب آفتاب آماده شود.

عرفات گر چه از نظر ظاهر، بیابانی بیش نیست ولی باطن آن مضیف خانه حضرت محبوب و جای مهمانان خاص حضرت حق است.

وادی عرفات محفل راز، محل اظهار نیاز، جایگاه درمان دردهای باطن، مرکز دعا، عرصه گاه حال و مناجات، میدان طلب رحمت و مغفرت از جناب دوست و موضع گذاشتن پیشانی ذلت به درگاه مالک الملوك است.

ناله دردمندان در آن صحرا مورد قبول و آه و فغان مستمندان در آن

وادی در معرض توجه خداوند مهربان است.

در آنجا باید زمینه لقای دوست را فراهم آورد و از گلستان رحمت حضرتش گل وصال چید.

آنجا باید با دیدن کثرت کفن پوشان، یاد قیامت کرد و بوقت کوچ بهنگام غروب، آن لحظه را باید در نظر آورد که خیمه حیات را با همه وسائل و عناصرش خوابانده و انسان را به طرف برزخ با يك لا کفن کوچ می دهند!

برای آنان که هزاران فرسخ راه را طی کرده و دل از اهل و عیال و مال و منال برداشته و به آن صحرا آمده اند و تکیه گاهی جز حق ندارند و با دوست به راز و نیاز برخاسته و از حضرتش - با کمک دعای عرفه حضرت سید الشهداء و راز

و نیاز - طلب عنایت و رحمت و مغفرت می کنند، ثواب عظیمی قرار داده شده که روایت زیر گوشه ای از آن را بازگو می کند:

حضرت مجتبی - علیه السلام - می فرماید: شخصی خارج از مذهب اسلام به محضر رسول حق - صلی الله علیه و آله - آمد و از آن حضرت مسائلی پرسید؛ از جمله عرضه داشت مرا آگاه کن برای چه خاطر خداوند امر به وقوف به عرفات بوقت عصر فرموده؟ حضرت فرمود: عصر ساعتی است که آدم پروردگارش را عصیان کرد، بر اتمم واجب فرمود در عرفات وقوف کنند و در محبوبترین مکانها در نزدش به تضرع و دعا برخیزند.

آن ساعتی که مردم از آنجا کوچ می کنند ساعتی است که آدم کلمات را از حق دریافت نمود و آراسته به مقام توبه شد و توبه او از جانب توّاب رحیم پذیرفته شد.

سپس پیامبر فرمود: قسم به آن که مرا به حق مبعوث به رسالت فرمود و بشیر و نذیر قرار داد، خداوند را در عالم ملکوت بایی است که به آن گفته می شود: باب رحمت، باب توبه، باب حاجات، باب تفضل، باب احسان، باب جود، باب کرم و باب عفو. احدی در عرفات نمی آید مگر این که از جانب خداوند بوقت وقوف، مستحق همه این واقعیات می شود.

برای حضرت حق صد هزار فرشته است، با هر فرشته ای صد و بیست هزار فرشته است و برای خداوند رحمتی است که برای اهل عرفات به عرفات نشینان نازل می شود، چون از عرفات کوچ کنند خداوند فرشتگان خود را شاهد می گیرد به این که اهل عرفات از آتش جهنم آزادند، و حضرت حق بهشت را بر آنان واجب فرمود، و يك منادی ندا می دهد: بروید در حالی که آمرزیده شدید، مرا خوشنود کردید و من از شما خوشنودم!

شخص خارج از مذهب اسلام عرضه داشت: ای محمد، صادقانه سخن گفتی.

چهل حدیث حج، ص: 34

حدیث 29 وقوف در مشعرالحرام

بوقت غروب آفتاب روز نهم، زائر بیت - به حکم حضرت حق در قرآن مجید - باید به طرف مشعر کوچ کند و شب دهم را، که مصادف با شب عید است، در مشعر بماند تا وقوف واجب مشعر را در وقتی که معین شده درك کند.

قرآن مجید مشعر را جایگاه ذکر و یاد حضرت حق می داند و به ذکر و یاد حق امر فرموده است.

آری باید به خالق مهربان، بخصوص در آن شب، توجه کرد و متذکر به ذکر قلبی و لسانی شد.

آن وجود مقدسی که انسان را به انواع نعمت های ظاهری و باطنی آراست و به او لیاقت انجام مناسک حج را عنایت فرمود.

آن وجود مبارکی که توفیق تصفیه مال و تزکیه اخلاق و پاکی عمل به انسان مرحمت فرمود و زمینه آمدن به حج را پس از تحقق آن واقعیات برای زائر فراهم آورد.

آن مهربانی که چراغ هدایت در قلب برافروخت، و پیوند دل را با

صفحه 107

توحید و رسالت و عدل و امامت و قیامت کبری محکم نمود.

آن منبع لطف و رحمت که عرصه آشنایی با قرآن و اهل بیت را برای زائر تحقق داد و بدینوسیله تمام درهای رحمت را به روی آدمی گشود.

زائر باید بوقت وقوف به مشعر، دل از مظاهر بردارد و گوشه ای خلوت برای خود بگزیند و در آن فرصت کوتاه از ذکر و عبادت و راز و نیاز غافل نماند، مبدا که با طلوع آفتاب جز حسرت و ندامت برای او نماند.

زائر با قرار گرفتن در مشعر و توجه به حضرت محبوب، و یاد و ذکر خدا، مستوجب اجری بزرگ می شود که روایت زیر به آن اشاره کرده:

عن سلیمان بن مهران قال: قلت للصادق - علیه السلام - : کیف صار وطی المشعر علیه واجباً؟ قال: لیستوجب بذلك بحبوحه الجنه. (1)

سلیمان بن مهران گوید: به حضرت صادق - علیه السلام - گفتم: چه شده که فرود آمدن به مشعر بر مکلف واجب گشت؟ فرمود: به آن سبب که مستوجب قرار گرفتن در وسط بهشت شود.

چهل حدیث حج، ص: 35

حدیث 30 وقوف به منا

انسان جامع همه استعدادهاست. قوای روحانی و ملکوتی، در حدی که انسان را به عالی ترین مدارج کمال برساند، در انسان قرار داده شده، ظرف رسیدن به کمالات و حقایق همین دنیایی است که انسان در آن زندگی می کند و زندگی دنیا همراه با تبعاتی همانند جسم، غریزه، شهوت، خوردن و آشامیدن و پوشیدن و کسب و کار و تجارت و کوشش است.

رابطه انسان با این امور نباید بی حد و مرز باشد، اگر راه شکم و شهوت بدون مرز و حد باشد، انسان بتدریج محکوم این دو برنامه شده و از وجود او موجودی تبهکار و آلوده و ستمگر ساخته خواهد شد.

راه جلوگیری از بی حد و مرز شدن شکم و شهوت فقط و فقط عبادت است، آنهم عبادتی که وحی آن را نظام داده است.

بندگان واقعی حق، چراغ زندگی و گل گلستان حیات و گوهر گرانهای صدف آفرینشند.

بینایان راه فرموده اند: بدان که مقصود اصلی از آفرینش انسان معرفت حق و رسیدن به عشق او و مأنوس شدن با حضرت اوست.

رسیدن به این مقام، موقوف بر صفای نفس و تجرد آن از هوا و هوس است. هر اندازه که صفای نفس بیشتر و وارستگی آن شدیدتر باشد، انس و علاقه آن نسبت به خداوند متعال افزونتر خواهد بود.

بدیهی است که صفای نفس و تجرد آن، منوط است به پیراستگی از شهوات نفسانی و اجتناب از لذتهای حرام و آرزوهای پست حیوانی و عدم تعلق قلب به مال و منال دنیوی؛ زیرا همه اینها - در صورتی که خارج از حدود شرع باشد - موانعی هستند که انسان را از معارف الهی و نفحات قدسی باز می دارند، و هیچ چیز روح انسانی را از نزدیک شدن به عالم قدس که از آن نزول یافته، مانع نمی شود مگر آنچه که بنام مشتتهیات نفسانی نامیده شده، از قبیل غرائز حیوانی و

ناستوده های اخلاقی و کردارهای شیطانی. و هم چنانکه ظرف تا هنگامی که از آب پر می باشد ورود هوا به داخل آن امکان ندارد، نفوس انسانی نیز تا خالی و وارسته از صفات و ملکات نکوهیده نباشد نور الهی چنانکه شایسته است قلوب آنان را روشن نخواهد نمود.

نفوس به هر نسبت که از این پلیدیها پاک شوند، انوار دانش بر دل آنها اشراق بیشتری یافته و بخشش های یزدانی بر آنها روی آور می شود. به عکس نفوسی که به غیر خدا اشتغال دارند، معرفت و شناسایی پروردگار و حلاوت و دوستی و انس با او در دل آنها جای نخواهد گرفت و بحر اندازه که تجرد نفس کمال یابد، ایمان و یقین بیشتر می شود و صفات عالی و فضائل کم نظیر و رفعت که نفس انسانی

در آن مرحله از صفا و تجرد خواهان است، از عالم کمال الهی بر او فرود می آید.

بدین جهت عباداتی که به منزله نردبان ترقی و راه وصول به این کمال می باشد، تشریع شده است.

چه، پاره ای از آنها انفاق مال و بخشیدن آن است که باعث انقطاع انسان از آزمندی به دنیاست؛ مانند زکات و خمس و صدقات و این انقطاع همان علت غائی تشریع انفاق است که به اصطلاح دانشمندان به غرض از تشریع نامیده می شود، اگر چه بهره بردن پاره ای از مردم بر آن مترتب است.

بعضی از آنها خودداری و اجتناب از شهوات و لذات است؛ مانند روزه و پاره ای از آنها به منظور پرداختن دل به یاد خداوند متعال و توجه آن به سوی او توأم با حرکات خاص گوناگون جسمی است؛ مانند نماز. آثار کامل و شایسته ای که در نفس از مداومت و پیوستگی بر آن اعمال حاصل می شود ثابت و استوار خواهد بود. چه، همانا میان نفس و بدن ارتباطی است و فعل و انفعالات آنها در یکدیگر مؤثر واقع می شود.

مقصود از وضع و تشریع عبادات این است که انسان به آن وسیله، مدارج کمال را قدم بقدم پیموده و به صفات ملکوتی آراسته شود، آنچه مسلم است این است که صورت ظاهری هر عبادتی نقش و اثر مطلوبی در روح ایجاد کرده به موازات عبادات عضوی و اعمال جوارحی آثار بسیار نیکویی در تنویر و اصلاحات نفسی از خود بجای می گذارد. چنانکه حساً درك می کنیم که طهارت ظاهری در پاکی و روشنی نفس

تأثیر دارد؛ مثلاً هنگامی که به وضو می پردازیم و بوسیله این عمل به طهارت ظاهری آراسته شدیم، در خاتمه این عمل عبادی يك نوع حالت صفا و انبساط در روان خود احساس می کنیم که این حالت قبل از وضو در ما نبود و علت آن همانطور که اشاره شد راز بستگی میان روان و تن است.

حج این عمل عظیم الهی و عبادی، آنچه را که سایر عبادات در بر دارد شامل است، بعلاوه ریاضت های خاصی را نیز دارا می باشد که عبارتست از ترك وطن، رنج دادن به تن، گذشتن از مال، گسیختگی از آرزوها، تحمل مشقتها، تجدید پیمان، حاضر شدن در مشاعر و آگاهی بر شعائر.

و این همه، در سرزمین منا و اعمال مربوط به آن تجلی دارد، گر چه نفوس به حکمت و رموز بعضی از اعمال منا آشنایی ندارند، ولی باید به قصد انجام امر الهی انجام دهند که احکامی را که عقل انسان از درك حقیقت آن عاجز و به کنه معنا و اثراتی که بر آن مترتب است راه نمی یابد و طبیعت آدمی به آن انس ندارد؛ مانند انداختن هفت سنگ ریز به ستونی معین. پذیرفتن آن نیست مگر به جهت صدور فرمان و قصد امتثال از جهت این که فرمان و دستور است و اطاعت از آن واجب.

انجام این قبیل عبادات که در تزکیه نفوس و برگرداندن آنها از مقتضیات طبع و بدی و ستم و مایل گشتن نفوس به خداوند متعال و آراسته شدن به اخلاق حضرتش تأثیر کامل دارد، شایسته است برترین انواع عبادت باشد.

ندانستن حکمت و مصلحت خصوصیات خواسته شده در برخی از عبادات، از حیث کمیت و کیفیت، برای بعضی از مردم باعث تعجب و حیرت گشته و علت آن همانا ندانستن حقایق رازهای تعبدات و انوار مکنونه در مجاهدات است.

هر عملی که باید بقصد قربت انجام گیرد، هر اندازه که دور از تصرفات عقلی باشد، خصوصاً اگر انسی به آن عمل نباشد و کلفت و مشقتی نیز در بر داشته باشد؛ مانند رمی جمرات و سر تراشیدن در سرزمین منا و طول اقامت در آن محل. حصول مقام بندگی و تعبد به آن عالی تر و ارزنده تر است و به انجام اینگونه عبادات است که جان آدمی در برابر حضرت جانان قرار می گیرد و در دو جهان به راهی که پایدار است رهنمون می شود.

چه عالی و شیرین است که انسان در برابر صدور تمام فرامین مولا که سرچشمه در علم و عدل و حکمت او دارد، تسلیم باشد و در باطن خود نسبت به آن فرامین چون و چرایی نداشته باشد که چون و چرا کار متکبران و دوری از اجرای قوانین حق، راه مفسدان است.

در هر صورت وقوف به منا و انجام برنامه های حق در آن سرزمین، همراه با مشقت عظیمی که دارد، باعث آنچنان اجر و ثوابی است که بر اساس معارف الهی گویا پس از اتمام کار و انجام اعمال وضع انسان همانند وقتی است که پاك و پاکیزه و بدون گناه از مادر متولد شده است!

روایت زیر به این معنا توجه می دهد:

عن الرضا - عليه السلام - قال: قال ابو عبد الله - عليه السلام -: اذا

افاض الرجل عن منى وضع ملك يده بين كتفيه ثم قال له: استأنف. (1)

حضرت رضا - عليه السلام - فرمود: حضرت صادق فرمودند: چون زائر از پس اتمام برنامه های منا کوچ کند، ملکی دستش را بین دو شانه او گذارد و به او گوید زندگی را از سر بگیر!

-

1- بحار، ج 96، ص 273

چهل حدیث حج، ص: 36

حدیث 31 رمی جمرات

پرتاب هفت سنگ ریز به طرف سه جمره، به مدت سه روز در منا، هدایت به این معناست که در آن وادی الهی برای همیشه تمام شیاطین درونی و برونی و طاغوت‌های فاسد و مفسد را از عرصه گاه حیات خود و دیگران دور کن.

شناخت شیطان و جنود او در میدان حیات، و افسونگری‌های او و وسوسه هایش کار دشواری نیست. توجه به آیات قرآن مجید و دقت در روایات، راه شناخت این موجود خطرناک و لشکریان اوست که بصورت‌های گوناگون در مسیر اغوای انسان قرار دارند.

شیطان گاهی همان انسان فاسد و مفسد و لامذهبی است که برای ارضای شهوات و خواسته‌های خود به دنبال انسان‌هاست که برنامه‌های خود را با شگردهای گوناگونی که دارد و با وسایلی که از قبیل عناصر مادی در اختیار اوست تحمیل کند، تا انسانها از طرفی از خدا جدا شوند و از جانب دیگر حمال خواسته‌های او باشند و گاهی بصورت يك موجود نامرئی است که قدرت وسوسه کردن انسان را دارد و از این

راه آدمی را دچار شقاوت و هلاکت می نماید.

قرآن مجید با بیان برنامه ها و خواسته های شیاطین انسی و جئی، این موجودات موزی و فاسد و مفسد را به انسان شناسانده و آنها را دشمن آشکار انسان معرفی می نماید. قرآن می فرماید:

بدنبال گام های شیطان حرکت نکنید که او نسبت به شما دشمن آشکاری است، او شما را به بدی و فحشا فرمان می دهد و این که نسبت به خداوند آنچه را علم ندارید بگویید. (1)

او موجود خطرناکی است که بهنگام انفاق و صدقه و مال دادن در راه خدا شما را از فقر و تهیدستی می ترساند و به کار ناشایست فرمان می دهد. (2)

بوقت مبارزه در راه خدا و جهاد فی سبیل الله و ایستادن در برابر دشمن، مریدان و دوستان خود را به وحشت می اندازد تا در مسیر حق قدمی برندارند، اگر اهل ایمان هستید از آنان نترسید، کوشش شما بر این باشد که خداترس باشید. (3)

شیطان قصد و اراده اش این است که مردم را به گمراهی دراندازد، آنهم گمراهی بعید؛ (4) به این معنا که فاصله انسان را از خداوند آنچنان زیاد کند که برای او امید آشتی نماند.

هر کس شیطان را بجای خدا دوست و کارساز خود گیرد، براسی زیانی آشکار کرده است. (5)

-

1- بقره: 196

2- بقره: 268

3- آل عمران: 175

4- نساء: 60

5- نساء: 119

چهل حدیث حج، ص: 37

کسی که گامهای شیطان را پیروی کند، برایش معلوم باشد که او به تمام گناهان ظاهر و باطن امر می کند. (1)

شیطان کارهای باطل را برای مردم جلوه داد تا آنان را از راه حق بازداشت، در حالی که نسبت به واقعیت بینا بودند. (2)

حضرت صادق - علیه السلام - فرمود: گامهای شیطان عبارتند از: قسم خوردن برای جدایی، عهد و پیمان در انجام معاصی، قسم خوردن به غیر حق در اموری که قسم لازم نیست. (3)

و نیز آن حضرت فرمود: ابلیس به لشکریان خود می گوید میان مردم ایجاد حسد و تجاوز کنید، که این دو گناه نزد خداوند مساوی با گناه شرك است. (4)

رسول خدا فرمود: موسی بن عمران نشسته بود که ابلیس نزد او آمد، موسی به او گفت گناهی که سبب تسلط تو بر فرزند آدم می شود کدام است؟ جواب داد: خودپسندی، زیاد دیدن عمل خویش، کوچک آمدن گناه در نظر او. (5)

شیطان حضرت نوح را از دو خصلت بر حذر داشت؛ حسد و حرص و به او گفت در سه موقعیت به اغوای انسان بسیار نزدیکم: بوقت خشم، بوقت قضاوت بین دو انسان، بهنگام خلوت با زن نامحرم! (6)

از مجموع آیات و روایات استفاده می شود که برنامه های خطرناک

-

1- نور: 21

2- عنکبوت: 38

3- میزان الحکمه، ج 5، ص 82

4- بحار، ج 63، ص 260

5- میزان الحکمه، ج 5، ص 93

6- میزان الحکمه، ج 5، ص 94

چهل حدیث حج، ص: 38

زیر از دام های شیطان و از فعالیت های او برای هلاک کردن انسان و دور نمودن او از خداوند مهربان است:

دعوت به زشتی

امر به فحشاء

گفتار ناهنجار نسبت به حق

ترساندن از تنگدستی به وقت انفاق

ترساندن از مبارزه و جهاد و قیامت علیه ستمگران

ایجاد گمراهی بعید

ایجاد زیان و خسارت آشکار

دعوت به گناهان ظاهر و باطن

جلوه دادن به کارهای زشت

زمینه سازی برای طلاق بی علت

ایجاد تعهد و پیمان برای معاصی

قسم به غیر حق

ایجاد حسد و تجاوز

برافروختن شعله حرص

ایجاد خشم و غضب

زمینه سازی برای خلوت با نامحرم

زائر بهنگام رمی جمرات باید توجه عمیق به حقیقت رمی کند و رمی را بخاطر رمی شیطان و برنامه های او از عرصه گاه حیات انجام دهد، آنچنان رمی و سنگ انداختنی که پس از اتمام آن در روز دوازدهم خود را از بند شیطان و زندان ابلیس رها ببیند و آن مجسمه لعنت را که

حتی بوقت رمی هم در کنار انسان جهت گمراه کردن حاضر است برای ابد از خود دور سازد.

اگر با چنین نیت و توجهی رمی کند، بدون شك به آن آزادی حقیقی که از اعظم نعم الهی است خواهد رسید.

روایت زیر نشانگر این مفهوم عرشی و ملکوتی است:

عن ابی عبد الله - علیه السلام - فی رمی الجمار قال: له بكل حصاه یرمی بها تحط عنه کبیره موبقه. (1)

از امام صادق - علیه السلام - است در مسأله رمی جمرات که آن حضرت فرمود: به هر سنگ ریزه ای که زائر به سوی جمره پرتاب می کند، گناه بزرگ هلاک کننده ای از دوش جانش فرو می ریزد.

-

1- بحار، ج 96، ص 273

چهل حدیث حج، ص: 39

حدیث 32 قربانی

کتاب خدا در سوره مبارک حج، برای مسأله قربانی لطائف شگفت آوری بیان فرموده، به گوشه ای از آن دقائق و حقایق عنایت کنید:

این است احکام و مراسم و مناسک حج و هر که شعائر خدا را - که در این مراسم تجلی دارد - بزرگ شمارد، همانا این بزرگداشت شعائر حق، از تقوای قلب است.

شما را در چهار پایان تا رسیدن زمان قربانی سودهاست، سپس وقت قربانی آنها هنگام رسیدن به بیت عتیق است.

برای هر امتی آیین و مراسم عبادتی در قربانی کردن قرار دادیم تا نام خدای یگانه را بر ذبح آنچه از چهار پایان روزیشان نموده یاد کنند، خدای شما یکتاست، سپس تسلیم او شوید و فروتنان پاکدل را مژده بده؛ فروتنان پاکدل آنانند که چون یاد خدا شود و دلهاشان از عظمت دوست بترسد و بر مصائبی که به آنان رسد شکیبها باشند و نماز بپا دارند و از آنچه روزی آنان نمودیم انفاق می کنند.

قربانی را برای شما از نشانه های عبادت خدا قرار دادیم، شما را در

آن خیر و ثواب است، پس نام خدا را بر آنها در حالی که ایستاده اند یاد کنید و چون پهلوشان بر زمین افتد و قربانی شوند از آنها بخورید و به نیازمند بینوای خواهنده بخورانید، این حیوانات را اینچنین برای شما رام کردیم باشد که سپاس حق بجای آرید.

توجه داشته باشید که گوشت و خون قربانیها هرگز به خدا نمی رسد، لیکن پرهیزکاری و تقوای شما به حرم قدس او راه پیدا می کند، بدین گونه چهارپایان را رام شما کرده، تا خدای را به پاس آن که شما را هدایت نموده به بزرگی یاد کنید و نیکوکاران را مژده بده.

آنچه از آیات سوره مبارکه حج در باب قربانی استفاده می شود این است که:

قربانی از شعائر الهی و نشانه عبادت حق است.

قربانی بخاطر ایجاد یاد خدا در قلب و بر زبان است.

قربانی برای ایجاد حالت تسلیم در قلب عبد نسبت به مولاست.

نشانه های اهل تسلیم 4 چیز است:

1- ترس در قلب از توجه به عظمت حضرت حق.

2- صبر بر مشکلات و سختی ها؛ بخصوص در انجام مناسک حج.

3- اقامه نماز.

4- پرداخت آنچه روزی شده در راه حق.

قربانی روزی حلال خدا است.

قربانی برای خوردن و خوراندن به مستحق شرعی است.

قربانی حیوانی رام است که رام بودن آن نعمت حق بر انسان و قابل شکر و سپاس است.

گوشت و خون قربانی ارزش رسیدن به حریم قرب حق را ندارد،

آنچه به آن حریم ملکوتی می رسد تقوای قربانی کننده است که قربانی بعنوان عبادت از نشانه های تقواست.

قربانی بردن به پیشگاه حق در سرزمین منا، از اخلاق محسنین است و خلاصه در مسأله قربانی، آنچه مهم است بریدن گلوی هوای نفس و شهوات و خواسته های نامشروع است تا میدان تجلّی تقوای الهی در پهنه حیات و زندگی باز شود و زائر به حریم قدس دوست تا مرحله لقاء و وصال سفر کند و قربانی او در سرزمین منا بهای آزادی وی از آتش جهنم شود، در این زمینه به روایت بسیار مهم زیر توجه کنید:

عن أبي عبد الله - عليه السلام - قال: قال علي بن الحسين - عليه السلام - في حديث له: اذا ذبح الحاج كان فداه من النار.
(1)

امام صادق - عليه السلام - فرمود: در گفتاری از حضرت علی بن الحسین - عليه السلام - است: چون حاجی در وادی منا قربانی کند، قربانی او بهای آزادی وی از آتش قیامت است!

حدیث

-

1- محاسن برقی، ص 67

چهل حدیث حج، ص: 40

حدیث 33 حلق رأس

آنان که سر از بندگی حق می پیچند، و در مسأله عبادت و اطاعت از مولا دچار کبر و خود بزرگ بینی می شوند و روی عبادت به خاک درگاه دوست نمی گذارند، نعمت می خورند و کفران نعمت می کنند، دل به حق نمی دهند، و رو به جانب حضرت او نمی آورند، از زحمات انبیا و امامان و اولیا قدردانی نمی نمایند و خود را از تجلی آیات قرآن بر قلوبشان محروم می کنند، با حضرت محبوب صفا نمی نمایند و برای شستشو به خرابات عشق حق قدم نمی گذارند، باید بدانند که بتدریج دنیای باطن و عرصه گاه غیب وجودشان دچار تاریکی می شود و این تاریکی و چرک باطن، هر لحظه افزوده می گردد تا جایی که به انکار تمام حقایق برخیزند و به بی نهایت پستی و ذلت درون برسند و از این طریق قیامت خود را نیز به تاریکی و ظلمات دچار کنند، ظلماتی که از پس آن حسرتی سنگین بر دل نشیند، حسرتی که برای آن علاجی نخواهد بود.

ولی اهل معرفت و آراستگان به عرفان حق، و اهل ریاضت و تسلیم، و عاشقان عبادت و بندگی، در هر لحظه نور باطن بیفزایند، و بر یقین و ایمان خود نسبت به حقایق اضافه کنند و از این طریق روشنایی و نور قیامت خود را تأمین نمایند که در عبادت و اطاعت، و بندگی و تقوا، و خوف و خشیت، و جود و سخاوت، و کرم و حسن خلق، نور محبوب در تجلی است و این نور بطور دائم برای انسان

می ماند و در تمام عرصات به اذن حضرت محبوب به فریاد انسان می رسد.

از جمله اعمالی که منبع ایجاد نور و نورانیت در دنیا و آخرت است حلق رأس در سرزمین منا است.

در این زمینه روایت عجیبی از حضرت رضا- علیه السلام- رسیده که متن آن این است:

... ثُمَّ اخْلُقْ شَعْرَكَ فَإِذَا أُرِدْتَ أَنْ تَخْلُقَ رَأْسَكَ فَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ وَابْدَأْ بِالنَّاصِيَةِ وَاحْلُقْ مِنَ الْعَظْمَيْنِ النَّابِتَيْنِ بِحِذَاءِ الْأُذُنَيْنِ وَ قُلْ: اللَّهُمَّ اعْطِنِي بَكَالْ شَعْرَةَ نَوْرًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ اَدْفِنْ شَعْرَكَ بِمَنَى. (1)

... سپس موی خود را حلق کن، چون خواستی حلق رأس کنی، روبروی قبله قرار بگیر و از پیشانی شروع کن و از جانب دو استخوان روییده شده روبروی دو گوش حلق کن و بهنگام این مسأله عبادی بگو: خداوندا به هر موی من نوری در قیامت عطا کن، سپس موی حلق شده را در سرزمین منا دفن کن.

ابوبصیر در روایتی نقل می کند: مویی از سر حلق نمی شود مگر این که خداوند مهربان بخاطر آن نوری در قیامت برای زائر قرار می دهد و آنچه انفاق کند در پرونده اش ثبت می شود و چون به مکه برای حج تمتع رود و اعمالش را انجام دهد و به منا برگردد، در پاکی مانند کسی می شود که تازه از مادر به دنیا آمده است. (2)

-

1- بحار، ج 96، ص 304

2- بحار، ج 96، ص 315

چهل حدیث حج، ص: 41

حدیث 34

حج و امامت و رهبری

هدف از عبادت و بندگی، نظم و ادب و اخلاق و متانت و پاکی و طهارت ظاهر و باطن و احسان و ایثار و صدق و کرامت و آرامش و امنیت و رشد و کمال در دنیا و فوز عظیم و رضوان و جنت و رضا و خوشنودی حق و لقا و وصال محبوب در جهان آخرت است.

عبادت و بندگی در صورتی این ثمرات عظیم و میوه های شیرین و منافع معنوی را ببار می آورد که مسائل مربوط به آن و آداب ظاهری و باطنی از رهبران و امامان تعیین شده از جانب حق اخذ شود؛ به عبارت دیگر، از همان صراط مستقیمی که قرآن مجید بر آن اصرار دارد باید سالک عبادت عبور کند تا به نتایج شیرین بندگی دست یابد و صراط مستقیم جز آیات قرآن و مفسران حقیقی آن، که رسول خدا و دوازده امام معصومند، واقعیت دیگر نیست.

مشخصه واقعی و امتیاز حقیقی مؤمن، به قبول ولایت و پذیرش کارگردانی ائمه طاهرين و اهلبیت طیبین نبی اکرم است.

ولایت بنا بقول عارفان عاشق و دانشمندان صادق و بینایان واقف،

چنانکه طریخی در مجمع البحرین آورده، عبارت است از:

عشق ورزی به اهل بیت و متابعت از آنان در دین و قبول اوامر و نواهی آن بزرگواران در عرصه عمل و اقتدای به آنان در اخلاق و کردار.

حج ابراهیمی و به عبارت دیگر اهل بیتی، حجتی است که هدایتگر عالمیان و قیام للناس و کفر ستیزی و برائت از مشرکان است و حج اموی و عباسی، حج فردی و حج سکوت و حج بی معنا و در يك کلمه انجام آدابی خشك و ناقص و حرکتی خارج از چهارچوب قرآن و سنت و خلاصه، سلسله اعمالی بی روح است که روح دشمن و روح طاغوت و طاغوتیان و روح کفار و مشرکان از انجام آن شاد و خشنود است؛ چرا که در حج اموی و عباسی هیچ منفعتی متوجه زائر و هیچ ضرری متوجه دشمن نیست.

حجتی که به قول حضرت صادق - علیه السلام - ناله و فریادش بسیار، ولی حاجی واقعیش فوق العاده اندك است، حج نیست.

حج، سازمان ملل اسلامی است. حج دواى درد ملت های مسلمان است. حج حلال مشکلات امت است. حج وسیله اتحاد جمعیت های سرزمین های مختلف است. حج شفای دردهاست. حج عامل شناخت جوامع مسلمان از یکدیگر است. حج وسیله رأفت و رحمت و کرامت و سربلندی است ولی این همه، در سایه رهبری و امامت صحیح قابل تحقق است.

مناسك، بدون رهبری و ولایت تعیین شده از جانب حق، به قول حضرت باقر - علیه السلام - انجام اعمالی چند به دور مقداری سنگ

است. (1)

دستی که در انجام مناسك در دست اهل بیت پیامبر نیست، در دست رحمت خدا قرار نمی گیرد. حاجیان بزرگواری که در حدود يك ماه در این سفر الهی بسر می برند، فرصت مناسبی در اختیار دارند تا توسط دانشمندان که با کاروانها هستند، بیش از پیش با موقف و موقعیت اهل بیت و امامان معصوم آشنا شوند و ولایت خود را کامل کنند و نسبت به آن بزرگواران تا سر حدّ ایثار جان و مال در کنار بیت حق تعهد کرده و عهد و پیمان ببندند.

در این زمینه به روایت بسیار مهمّی که از قلب عرشی معصوم در کتب روایی روایت شده توجه کنید:

عن زراره عن أبي جعفر - عليه السلام - قال: انما أمر الناس أن يأتوا هذه الأحجار فيطوفوا بها ثم يأتونا فيُخبرونا بولاياتهم و يعرضوا علينا نصرهم. (2)

زراره که از معتبرترین راویان مکتب اهل بیت و مورد اعتماد و اطمینان امامان شیعه می باشد از حضرت باقر - علیه السلام - روایت می کند: همانا مردم دستور دارند به سوی این سنگ ها بیایند، سپس به دور آنها طواف کنند آنگاه به پیشگاه ما آمده از ولایت خودشان نسبت به ما خبر دهند و نصرت و یاری خود را در تمام زمینه ها به ما عرضه کنند!

-

1- عیون الاخبار، ج 2، ص 262

2- بحار، ج 96، ص 374

چهل حدیث حج، ص: 42

حدیث 35 مدینه طیبه

زائر چون وارد مدینه شود، با دیدن آن شهر باید بیاد آورد: اینجا جایی است که خدای مهربان برای پیامبرش اختیار کرد، شهری است که نبی اکرم - صلی الله علیه و آله - به دستور حق آن شهر را بعد از هجرت بعنوان مرکز پخش اسلام ناب انتخاب فرمود، شهری است که زمینه سعادت دنیا و آخرت مردم در آنجا فراهم آمد.

مدینه مرکزی است که پیامبر بزرگ اسلام با تحمل انواع شدائد و سختی ها، پیام الهی را به مردم ابلاغ کرد.

مدینه جایی است که برای اعلام اسلام، از طرف دشمنان خدا نزدیک به هشتاد جنگ به مسلمانان صدر اول تحمیل شد، ولی آنان در سایه رهبری رسول خدا - صلی الله علیه و آله - در برابر آنهمه جنگ در طول دهسال، مقاومت کردند تا چرخ مکتب الهی به حرکت آمد، جنگ هایی که مردم دور از انصاف برای متلاشی کردن حقیقت آغاز کردند و پیامبر عزیز و مردم مؤمن در مرحله دفاع از حق، شهدا و مجروحین زیادی تقدیم راه خدا نمودند.

رسول حق و یارانش در مدینه برای تأمین خیر دنیا و آخرت مردم چه اندازه زحمت کشیدند و سختی دیدند؟!

مدینه جایی است که برای اعلای کلمه حق، پیران و جوانان

و مردان و زنانی در خون خود غلتیدند.

مدینه شهری است که سالها شاهد عالی ترین خدمات صادقانه از جانب اهل بیت و یارانشان نسبت به اسلام ناب بود.

در آنجا مظهر عصمت و عفت؛ یعنی فاطمه اطهر، با پوششی کامل و حجابی جامع، که دستور خداوند است، به مسجد آمد و برای اقامه حق و بپا شدن عدل، داد سخن داد.

زهرای مرضیه از آن شهر به تمام زنان جهان، بخصوص زنان مسلمان، درس عفت و عصمت و پوشش و حجاب و دور بودن از دسترس نامحرمان را داد.

تو ای زائر محترم، در این شهر بزرگ در برابر پیامبر و ائمه بقیع و حضرت زهرا و شهدا قرار داری، خود را در تمام شئون، با آن بزرگواران بسنج و در وضع خود بیش از پیش دقت کن.

در آن شهر حرم رسول خدا و حرم امامان مظلوم و حرم فاطمه زهرا و حرم شهدای احد و قبور اولیای حق در بقیع وجود دارد، فرصت اندک خود را غنیمت بدان و تا بتوانی در آن شهر به عبادت و روزه و قرائت قرآن مداومت کن، بخصوص واقعیاتی که در روایت زیر است فوق العاده مورد توجه قرار ده تا به بهره عظیم و منفعت سنگین برسی.

أَنَّ بَيْنَ قَبْرِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - وَ بَيْنَ الْمَنْبَرِ، رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، أَنَّهُ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمَنْبَرِ وَ عَرَفَ حَقَّ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ - وَ تَبَرَّأَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَ لَا يَكُونُ لَهُ ذَلِكَ فِي غَيْرِ ذَلِكَ الْمَوْضِعِ. (1)

-

1- بحار، ج 96، ص 382

چهل حدیث حج، ص: 43

میان قبر رسول خدا و منبر، باغی از باغهای بهشت است. کسی که بین قبر و منبر به عبادت خدا برخیزد و حق پیامبر و اهل بیتش را بشناسد و از دشمنان آنان بیزاری قلبی و عملی جوید، در نزد خدا باغی از باغهای بهشت از آن اوست و این چنین نصیبی در غیر این محل برای انسان نیست.

عرفان به حق نبی اکرم و اهل بیتش به این است که آن حضرت را فرستاده خدا بداند و اهل بیت را امامان انتخاب شده از جانب حق برای هدایت مردم تا روز قیامت به حساب آورد و آن بزرگواران را در تمام شؤون زندگی مادی و معنوی واجب الاطاعه بداند و خود را تسلیم آنان نموده به فرهنگ سعادتبخش آنان گردن نهد و اوامر آنان را عمل و از آنچه نهی کرده اند پرهیزد.

حدیث 36 مشاهد مشرفه در مدینه طیبه

عن جعفر بن محمد - علیهما السلام - انه قال: و من المشاهد فی المدینه التي ینبغی ان یؤتی الیها و تشاهد و یصلی فیها و یتعاهد، مسجد قبا وهو المسجد الذی أُسِّسَ علی التَّقْوٰی. و مسجد الفتح و مسجد الفضیخ و مشربه أم ابراهیم و قبر حمزه و قبور الشهداء. (1)

حضرت صادق - علیه السلام - فرمودند: از مشاهدی که در مدینه سزاوار است به سوی آن بروند و مشاهده کنند و در آن نماز بجای آورند و با خدای خویش عهد و پیمان بندگی ببندند مسجد قباست، مسجدی که بر اساس تقوا بنا شده، و مسجد فتح و مسجد فضیخ و مشربه ام ابراهیم و قبر حمزه و قبور شهدا است.

-

1- دعائم الاسلام، ج 1، ص 296

چهل حدیث حج، ص: 44

حدیث 37 زیارت رسول خدا

شهید بزرگوار که از علمای بزرگ شیعه و صاحب تألیفات ارزشمند است، در کتاب دروس برای زیارت آدابی ذکر کرده؛ از جمله:

1- غسل و رفتن به زیارت پس از غسل با حال خضوع و خشوع و لباس پاکیزه.

- 2- ایستادن کنار در حرم و خواندن دعا و طلب اذن از صاحب قبر با خشوع و رقت قلب و قدم گذاردن در حرم با پای راست و خروج از آن با پای چپ.
- 3- زیارت در کنار قبر یا نزدیک قبر یا چسبیده به قبر یا تکیه بر ضریح و بوسیدن آن به احترام صاحب قبر.
- 4- زیارت خواندن روبروی چهره صاحب قبر و دعا با حالت زاری و گریه و گدایی از خداوند با قسم دادن به حضرت حق به حق حضرتش و حق صاحب قبر و این که خداوند او را مورد شفاعت صاحب قبر قرار دهد.
- 5- زیارت خواندن، به همان زیارتی که از جانب معصوم در کتب معتبره روایت شده.
- 6- دو رکعت نماز پس از اتمام زیارت.
- 7- دعا بعد از نماز برای امور دین و دنیا و برای همگان تا به استجابت نزدیک باشد.
- 8- تلاوت قرآن مجید در کنار قبر.
- 9- حضور قلب در حرم مطهر در جمیع حالات تا جایی که امکان دارد و توبه از گناه و طلب مغفرت از حضرت محبوب.
- 10- صدقه دادن به آنان که دست اندر کار مشاهد مشرفه اند، در صورتی که اهل خیر و صلاح و دین و مروتند و دارای صبر و کظم غیظ اند و به حوائج زائر رسیدگی می کنند و به غریب و گم شده توجه دارند که لطف به آنان در حقیقت لطف به صاحب قبر است.
- 11- تکرار زیارت.
- 12- بعد از هر زیارتی، زائر بهتر از زیارت قبل، در اخلاق و اعمال، باشد؛ چرا که زیارت باید بار سنگین مفسد روحی و عملی را از دوش زائر بریزد و گرنه زیارت او زیارت نیست.
- 13- تعجیل در خروج پس از زیارت، بخصوص وقت ادای نیاز و احتیاج.

14- صدقه دادن به فقرا و مساکین و محتاجان مقیم بقعه معصوم، که صدقه در این موارد ثوابش چند برابر مراکز دیگر است.

15- رعایت تقیه در مواردی که تقیه از واجبات آیین اهل بیت است.

چون این شرایط حاصل شد به قصد زیارت رسول خدا به روضه

مطهره داخل شو که زیارت رسول حق در مدینه طیبه علت کمال حج است.

عن الصادق - علیه السلام - قال: اذا حجَّ أحدکم فليختم حجّه بزيارتنا لأنّ ذلك من تمام الحج. (1)

امام ششم - علیه السلام - فرمود: زمانی که یکی از شما حج بجای آورد، حج خود را به زیارت ما در مدینه ختم کند که زیارت ما (رسول خدا، زهرای مرضیه، و چهار امام مدفون در بقیع) از تمام بودن حج است.

و آن حضرت در باب زیارت رسول خدا - صلی الله علیه و آله - از خود رسول حق روایت می کند که آن حضرت فرمود: هر کس مرا در زنده بودن و پس از مرگ زیارت کند، در قیامت شفیع او خواهم بود. (2)

-

1 و 2- بحار، ج 97، ص 139

چهل حدیث حج، ص: 45

حدیث 38 نماز در مسجد النبی (صلی الله علیه وآله)

قال ابو عبد الله - علیه السلام -: صلاة في مسجد النبي - (صلی الله علیه وآله) - تعدل عشرة آلاف صلاة. (1)

امام صادق - علیه السلام - فرمود: يك نماز در مسجد پیامبر برابر ده هزار نماز است.

چه نیکو است زائر فرصت اندک خود را در مدینه که ممکن است تا آخر عمر چنان فرصتی نصیبش نشود، صرف نماز در مسجد رسول حق و دعا و قرآن و زیارت کند تا پس از مرگ دچار حسرت و اندوه نگردد، حسرت و اندوهی که جای جبران ندارد.

-

1- بحار، ج 96، ص 382

چهل حدیث حج، ص: 46

حدیث 39 زیارت فاطمه - سلام الله علیها -

عن جعفر بن محمد الصادق عن آبائه - علیهم السلام - قال: من زال قبر الطاهره فاطمه ... ثم استغفر الله، غفر الله له و أدخله الجنة. (1)

امام صادق - علیه السلام - از پدران بزرگوارش روایت می کند: هر کس قبر فاطمه طاهره را به زیارتی که از ما رسیده زیارت کند، سپس از خداوند طلب مغفرت نماید، خداوند او را مورد غفران قرار می دهد و در قیامت وارد بهشت گرداند. زیارت رسیده از امامان بزرگوار، در مفاتیح الجنان و کامل الزیارات و اقبال و بحار (ج 97) ذکر شده است.

-

1- بحار، ج 97، ص 199

چهل حدیث حج، ص: 47

حدیث 40 ثواب عهده دار امور زائر در نبود زائر

قال علی بن الحسین - علیهما السلام - : من خلف حاجاً فی أهله و ماله کان له كأجره حتی کأَنّه یستلم الأحجار. (1)

حضرت سجاد - علیه السلام - فرمود: آن که در وطن، در نبود زائر، عهده دار امور خانوادگی و مالی حاجی شود، اجرش مانند اجر حاجی است، و حتی مانند این است که خود او به زیارت رفته باشد.

-

1- محاسن برقی، ص 70؛ بحار، ج 96، ص 387